

بهشت روان و باهوش

سال شانزدهم ■ بهار ۱۴۰۲ ■ شماره ۱۰۰ ■ ۱۰۰,۰۰۰ تومان

آنچه در این شماره می‌خوانید:

- یادگیری و اهمیت آن در زندگی انسان
- اختلالات ویژه یادگیری در کودکان (نکاتی برای والدین)
- ابزارها و فرآیند تشخیص اختلالات ویژه یادگیری در کودکان
- آیا نقشه مغزی می‌تواند در تشخیص اختلالات همراه با اختلال یادگیری کودکان کمک کننده باشد؟
- بهترین زمان اقدام برای درمان اختلالات ویژه یادگیری در کودکان
- برای کودک اختلال یادگیری ام معلم خصوصی بگیریم؟
- درمان‌های اختلالات ویژه یادگیری در کودکان
- برای برطرف شدن مشکلات تحصیلی فرزندم، به او دارو بدهم؟
- نوروفیدبک مشکلات تحصیلی کودکم را بهتر می‌کند؟
- tDCS (تحریک جریان مستقیم فراجمله‌ای) و درمان اختلالات ویژه یادگیری
- بازتوانی شناختی کامپیوتری درمانی برای بهبود مشکلات شناختی در کودکان با اختلالات یادگیری
- اختلال ویژه یادگیری در کودکان (گزارش موردی)
- اختلالات ویژه یادگیری در بزرگسالی





تأثیر نقشه مغزی در تشخیص اختلالات یادگیری

نوروفیدبک
مشکلات تحصیلی کودکان
را بهتر می کند؟

اختلالات ویژه یادگیری
در کودکان

tDCS

(تحریک جریان مستقیم
فراجمجمه‌ای) و درمان
اختلالات ویژه یادگیری

برای کودک اختلال یادگیری ام
معلم خصوصی بگیرم؟

اختلالات ویژه یادگیری در بزرگسالی



بهداشت روان و جامعه

فصل نامه

سال شانزدهم ■ ۱۴۰۲ ■ شماره ۱۰۰

روش: اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی
زمینه: علوم انسانی (روانشناسی)



مجله یادگیری و هوشمندی

صفحه

فهرست

■ سخنی با خوانندگان

یادگیری و اهمیت آن در زندگی انسان

۲

■ اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

■ نکاتی برای والدین (۱)

۴

■ نکاتی برای والدین (۲)

۶

■ ابزارها و فرآیند تشخیص اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

۸

■ آیا نقشه مغزی می تواند در تشخیص اختلالات همراه با اختلال یادگیری کودکان کمک کننده باشد؟

۱۰

■ بهترین زمان اقدام برای درمان اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

۱۲

■ برای کودک اختلال یادگیری ام معلم خصوصی بگیریم؟

۱۴

■ درمان های اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

۱۶

■ برای برطرف شدن مشکلات تحصیلی فرزندم، به او دارو بدهم؟

۱۹

■ نوروفیدبک مشکلات تحصیلی کودکم را بهتر می کند؟

۲۲

■ tDCS (تحریک جریان مستقیم فراجمعه ای) و درمان اختلالات ویژه یادگیری

۲۶

■ بازتوانی شناختی کامپیوتری درمانی برای بهبود مشکلات شناختی در کودکان با اختلالات یادگیری

۲۹

■ اختلال ویژه یادگیری در کودکان

■ گزارش موردی (۱)

۳۲

■ گزارش موردی (۲)

۳۴

■ اختلالات ویژه یادگیری در بزرگسالی

۳۶

◆ صاحب امتیاز:
گروه آتیه درخشان ذهن

◆ مدیر مسئول:
دکتر رضا رستمی

◆ دبیر شورای سیاست گذاری:
حسین رضا رستمی

◆ سر دبیر:
محمد هادی کلانتریان

◆ دبیر تحریریه:
جمیل منصوری

◆ مدیر اجرایی:
حمید میردامادیان

◆ مدیر هنری:
منیر شاه محمدلو

بهداشت روان و جامعه مجله ای کاملاً خصوصی بوده و به هیچ ارگان یا موسسه ای وابسته نمی باشد.
نقل قول از مطالب مجله با ذکر منبع بلامانع است.
استفاده از تصاویر مجله منوط به رضایت عکاس است.

◆ لیتوگرافی و چاپ:
چاپ نقش و نشان، تهران، خیابان دماوند، اول سی متری نیروی هوایی، خیابان آفاجانی شرقی، پلاک ۲۲، تلفن ۰۲۱۷۷۱۷۵۰۴۹

◆ نشانی:
تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان والی نژاد، پلاک ۲۳ گروه آتیه درخشان ذهن

◆ تلفن تحریریه:
۰۲۱-۸۴۰۱۲۰۰۰

◆ تلفن سازمان آگهی ها:
۰۲۱-۸۴۰۱۲۱۳۸

◆ وب سایت:
www.atiehclinic.com

◆ پست الکترونیکی:
info@atiehclinic.com

سخنی با خواننده

یادگیری و اهمیت آن در زندگی انسان



یکی از ویژگی‌های رفتاری موجودات زنده در این عالم، توانایی یادگیری آنها در تعامل با محیط پیرامونشان است. این توانایی در کنار سایر توانمندی‌های هر جانداری، مهارت‌ها و قابلیت‌هایی را به همراه دارد که باعث می‌شود تا او بتواند به صورت کارآمد در محیط خود زندگی کند.

ظرفیت یادگیری در انسان‌ها از جمله مهمترین قابلیت‌های نهفته در آنها است که با افزایش در هر فردی، او بیشتر بر آن متکی می‌شود و در چارچوب ویژگی‌های ذاتی خود، می‌تواند چیزهای مختلفی را یاد بگیرد. لازم است تا در این زمینه تفاوت انسان‌ها با سایر موجودات در نظر گرفته شود.

همان‌گونه که بسیاری از زیست‌شناسات بیان کرده‌اند، در حیوانات هر چند سیستم‌های یادگیری متنوع و مختلفی وجود دارد اما یادگیری محدود است و برای هر موجودی نوع خاصی از مهارت‌ها و رفتارها آموخته می‌شود. اما این انسان است که علاوه بر اینکه رفتارهای ذاتی و غریزی دارد، در طول رشد و تحول خودش بسیار بر یادگیری‌های مختلف متکی است. نکته‌ای که وجود دارد این است که این یادگیری‌ها گاهی مثبت و گاهی هم منفی است. محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، تعیین می‌کند که آن رفتار یاد گرفته شده یا مهارت ویژه، ارزشمند است یا خیر؟ و به همین دلیل هم هست که در محیط‌های مختلف و فرهنگ‌های متفاوت، والدین و جامعه رفتارها و یادگیری‌های مختلفی را به کودکان می‌آموزند.

چرا یادگیری مهم است؟

قبل از این لازم است تا در مورد یادگیری به صورت کلی صحبت شود. یادگیری در واقع به معنای این است که شما توانایی، مهارت، قابلیت و یا هر چیز دیگری که شما اسم آن را می‌گذارید، در خزانه رفتاری یک نفر یا یک موجود زنده ایجاد کنید. یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که یک رفتار جدید در کنار سایر رفتارهای دیگر و در ترکیب با آنها ایجاد می‌شود. این توانایی یادگیری یکی از ویژگی‌های بسیار ارزشمند به خصوص در انسان است. چرا؟ این مهم به این دلیل است که از طریق یادگیری رفتارهای جدید فرد با محیطش منطبق می‌شود

و بر اساس قواعدی که محیط از او می‌خواهد، می‌تواند از رفتارهای مورد نیاز برای زندگی در آن محیط را به دست آورد. جالب است بدانید که در واقع این در انسان است که نقش یادگیری بسیار پر رنگ‌تر هم هست: چرا که دامنه رفتارهای غریزی و ذاتی در انسان با بزرگ‌تر شدن کم می‌شود و از طریق یادگیری رفتارهای مختلف است که بسیاری از توانمندی‌ها را کسب می‌کند. با یادگیری است که ما می‌توانیم بخوانیم، صحبت کنیم، خانه بسازیم، درس بخوانیم، کار کنیم، هواپیما بسازیم، رانندگی کنیم، دوچرخه سواری کنیم و هزاران رفتار دیگر. در واقع اینها همه یادگیری هستند. از آنجا که بسیاری از این یادگیری‌ها به صورت ضمنی و پنهان شکل می‌گیرند، ما در طول یادگیری چندان متوجه آنها نمی‌شویم. مثلاً یادگیری زبان و صحبت کردن به زبان مادری که از جمله جالب‌ترین توانمندی‌های انسان است.

نکته دیگر اینکه فرآیندهای یادگیری اما قابل مختل شدن نیز هستند. باید دانست که همان گونه که این توانایی می‌تواند مثبت باشد گاهی باعث می‌شود تا ما رفتارهای نامناسب را یاد بگیریم. در برخی موارد حتی اصلاً نتوانیم یاد بگیریم. و این شرایطی است که نیاز به درمان و آموزش‌های ویژه هست. مثلاً در زبان آموزی بسیار پیش می‌آید که کودکی اختلال زبان آموزی دارد. یا مثلاً گاهی ما به دلیل تجارب ناخوشایندی در کودکی ترس‌هایی را تجربه کرده ایم که در حال حاضر با موضوعات مختلفی تداعی شده‌اند. در این حالت هم ما یاد گرفته ایم تا زمانی که آن موضوع به یاد ما می‌افتد و یا مثلاً در معرض آن قرار می‌گیریم، بترسیم. گاهی نیز فرآیند یادگیری است که مختل می‌شود. مثلاً در اختلالات یادگیری خاص در کودکان که فرآیندهای مغزی یادگیری در خواندن و نوشتن و ریاضیات به مشکل می‌خورد و کودک نمی‌تواند اصلاً بخواند و یا بنویسد و یا ریاضی یاد بگیرد. به همین دلیل است که باید برای آن درمان طراحی کرد.

لازم است بدانیم و آگاه باشیم که در مشکلات مختلف این نقش یادگیری است که باید به آن و مشکلاتی که دارد توجه داشت و برای بهبود فرآیندهای دخیل در آن تلاش کرد. این یادگیری است که قابل تغییر است و از طریق آموزش و تمرین‌های مکرر می‌توان مجدد آن را در فرد زنده است. پس درمان نیز برای مشکلات یادگیری وجود دارد.

جمیل منصوری
روانشناس و دبیر تحریریه



۱

نکاتی برای والدین

اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

اختلال یادگیری از اختلالات در دوران کودکی است که با تداخل جدی در توانایی یادگیری مهارت‌های تحصیلی خواندن، نوشتن و ریاضی همراه است. این اختلال دارای شیوع نسبتاً بالایی است که در سیستم‌های آموزشی مختلف دنیا از جمله ایران، نیز خدمات آموزشی جداگانه‌ای برای آنها در نظر گرفته شده است. این روش‌ها از آموزش‌های مستقیم و به صورت فردی شروع می‌شود و می‌تواند با کمک گرفتن از ابزارهای درمانی مانند تحریک مغزی و نوروفیدبک پایان یابد.

این کودکان در خواندن از توانایی ضعیفی برخوردارند. کند می‌خوانند، بریده بریده می‌خوانند و معمولاً مطالبی را که می‌خوانند از نظر معنا و مفهوم درک نمی‌کنند. معمولاً اگر از آنها پرسیده شود که داستان خوانده شده را خلاصه کنند، از عهده آن به خوبی بر نخواهند آمد. معمولاً سعی می‌کنند تا متون را از حفظ بخوانند و یا در هنگام خواندن کلمات یا خطوط از حدس زدن استفاده کنند.

محققان معتقدند که علت اصلی ضعف این کودکان در رابطه با خواندن، مشکلات واج شناختی آنها است. آنها در تشخیص و بازشناسی صداها و همچنین قواعد ترکیبی حاکم بر آنها ناتوان هستند و این در حالی است که در کودکان عادی این مهارت‌ها به صورت خودکار و طبیعی صورت می‌گیرد. در نتیجه لازم است تا این کودکان تحت درمان اختلال یادگیری قرار بگیرند.

نوشتن یکی دیگر از مشکلات آنها است که با دشواری زیادی همراه است. زمانی که از آنها خواسته می‌شود تا مطلبی را رونویسی کنند و یا املا بنویسند، از توانایی‌های توجه و تمرکز و تشخیص ضعیفی برخوردارند و با اشتباهات متعددی آن را انجام می‌دهند. اشتباه نوشتن حروف عربی به جای همدیگر، عدم تشخیص شکل نوشتاری حروفی که مربوط به یک صدا هستند، قرینه نوشتن کلمات و حروف، دستخط نامناسب (درشت نویسی یا ریز نویسی)، کج و کوله نوشتن، نوشتن جمله‌های بدون رعایت قواعد نحوی جمله و عدم توانایی در درک و استفاده درست از زبان، از جمله مشکلات نوشتن در این کودکان است. آنها همچنین در ریاضیات، عملیات‌های ریاضی، حل مسائل ریاضی، تشخیص جمع یا تفریق بودن مسأله، اشتباه گرفتن ضرب و تقسیم مشکلات جدی دارند. هر کودکی می‌تواند یکی یا دو یا هر سه این مشکلات را همزمان با هم داشته باشد.

در کنار این مشکلات چه کارهایی می‌توان برای این کودکان کرد؟ درمان این کودکان می‌تواند از تنوع بسیار زیادی برخوردار باشد. روان‌درمانی، درمان‌های فردمحور بهبود مشکلات یادگیری، دوره‌های آموزشی و آگاهی دهنده‌ای والدین، نوروفیدبک، تحریک مغزی، بازی درمانی، کاردرمانی، تمرین‌های تحصیلی منزل، آموزش والدین جهت تمرین مشکلات تحصیلی با کودک، درمان‌های گروهی و بازتوانی شناختی از جمله روش‌های درمانی مختلف هستند. در این میان چند روند مهم وجود دارد که والدین باید نسبت به آن آگاه باشند.

ابتدا در نظر داشته باشید که تشخیص اختلال یادگیری در کودک شما را باید یک متخصص در این زمینه تشخیص دهد. والدین غیر متخصص، دوستان و آشنایان و یا هر کس دیگری که در زمینه تشخیص اختلالات یادگیری صلاحیت ندارد، نمی‌تواند این تشخیص را برای کودک شما مطرح کند. برای این کار لازم است تا در صورت مشاهده علائم ذکر شده و بنا بر تذکر معلم به بهترین مراکز اختلالات یادگیری مراجعه کنید.

پس از ارزیابی اولیه و تشخیص قطعی لازم است تا مشکلات همراه اختلالات یادگیری نیز مشخص شوند. این کار باعث می‌شود تا در کنار مشکل اصلی به این مشکلات نیز توجه شود و برای درمان و رفع آنها نیز اقدامات لازم صورت گیرد.

والین باید به یاد داشته باشند که مشکل اختلالات یادگیری مسأله‌ای نیست که به صورت خود به خودی و در طول زمان حل شود. در بسیاری از موارد این مشکل می‌ماند و به بزرگسالی منتقل می‌شود. پس لازم است تا والدین به این نکته واقف باشند که این اختلال مشکلی با درمان و بهبود خود به خود نیست. درمان نکردن این مشکل می‌تواند با پیامدهای جبران ناپذیری برای کودک همراه باشد. عدم پیشرفت تحصیلی بارزترین و آشکارترین پیامدی است که به صورت مستقیم بعدها شغل و آینده کاری کودک را هدف قرار می‌دهد. پس لازم است تا والدین به این نکته توجه داشته باشند.

بعد از تشخیص حتماً لازم است تا درمان و آموزش تحصیلی توسط یک متخصص درمان اختلال یادگیری صورت گیرد. در نظر داشته باشید که این کودکان از بهره‌های طبیعی برخوردار هستند و عدم توانایی آنها در یادگیری سر کلاس به معنای عدم یادگیری همیشگی نیست. آنها می‌توانند تحت درمان و روش‌های مختلف آموزشی این توانایی‌ها را کسب کنند و همانند سایر کودکان وارد کلاس‌های عادی شوند. پس لازم است که والدین به درمان فرزندانشان اولویت بدهند و جهت رفع مشکل اقدام کنند.

نکته دیگری که والدین باید به آن توجه داشته باشند این است که درمان این کودکان با صرف هزینه زمانی به نسبت بیشتری همراه است. باید به این نکته توجه داشت که پیشرفت این کودکان با صبر و حوصله والدین در پیگیری درمان رابطه مستقیم دارد. نباید ناامید شد.

والدین باید بدانند که این اختلال در طولانی مدت و با صرف زمان می‌تواند رفع شود. در نتیجه لازم است تا برای درمان آن تلاش و پشتکار زیادی داشته باشند.

اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

اختلال یادگیری اختلالی با مشکل در نوشتن، خواندن و ریاضیات است. این اختلال با مشکل اصلی در خواندن حروف و ادای آنها به همراه مشکلات نوشتن و ریاضی در مدرسه خود را نشان می‌دهد. هر کدام از این سه علامت به تنهایی یا در ترکیب با دو علامت دیگر می‌تواند در کودک وجود داشته باشد.

بسیاری از والدین کودکان با اختلال یادگیری زمانی که کودک در سن مدرسه (معمولاً در سال‌های اول تحصیل) با مشکل کودک روبرو می‌شوند، برخلاف اینکه آن را ناشی از یک نارسایی و مشکل در سیستم یادگیری بدانند (که می‌تواند برای هر کودکی اتفاق بیفتد) آن را ناشی از تنبلی و تلاش نکردن کودک در نظر می‌گیرند و برچسب‌هایی مانند تنبل، درس نخوان، بی‌علاقه به مدرسه و غیره را به کودک می‌زنند. این رفتار نه تنها مشکل اصلی را حل نمی‌کند بلکه باعث می‌شود تا کودک کم‌کم با این برچسب‌ها همانندسازی کند و به جای اینکه خود را علاقه مند به درس و تحصیل ببیند، خود را کودکی بدون استعداد و تنبل در نظر داشته باشد.

نکته‌ای که والدین باید در نظر داشته باشند این است که این کودکان صرفاً در توانایی‌های خواندن، نوشتن و ریاضی مشکل ندارند بلکه مشکلات دیگری همچون مشکلات در تنظیم هیجان و مشکلات شناختی (توانایی‌های ذهنی خاصی مانند توجه، تمرکز، حافظه، برنامه ریزی و حل مسأله) دارند که خود می‌توانند پایه و اساسی برای مشکلات تحصیلی باشند.

هیجان‌ات از جمله ویژگی‌های ما انسان‌ها است که از همان دوران کودکی و در تعامل با خانواده و اجتماع شکل می‌گیرد. در واقع شکل‌گیری و نحوه پاسخدهی ما به موقعیت و شرایط مختلف تحت تاثیر مستقیم این شکل‌گیری هیجانی در کودکی و در تعامل با والدین است. کودکان در تعامل با والدین و بخصوص مادر و با پاسخ‌هایی که او به رفتار کودک می‌دهد، هیجان‌ات مختلف را به موقعیت‌های مختلف و مشابه نشان می‌دهند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که کودک در این رابطه و تعامل به افکار و ادراکاتی از خود نیز می‌رسد که باعث می‌شود تا به نحو خاصی در مورد خود فکر کند و هویت خود را در آن حالت شکل دهد. این مسأله در مورد کودکان با اختلال یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است.

والدین زمانی که با مشکل کودک خود روبرو می‌شوند رفتارهای مختلفی را انجام می‌دهند. هستند والدینی که کودک خود را مقصر می‌دانند و معتقدند که او دانش آموز تنبل و بی‌علاقه به تحصیل است. او فقط دوست دارد بازی کند و کارتون ببیند تا اینکه بنشیند و تکالیف مدرسه اش را انجام دهد. این مسأله باعث می‌شود تا به صورت خاصی با او رفتار کنند و کودک نیز با دیدن برچسب زنی‌های آنها خود را بی‌کفایت و نالایق ببیند. به همین دلیل است که معمولا دچار اعتماد به نفس پایین، اضطراب، افسردگی، مشکلات مختلف رفتاری در تعامل با والدین و دوستان و رفتارهای نامناسب در مدرسه می‌شوند. والدین باید در نظر داشته باشند که این رفتارهای آنها به خودپنداره کودک آسیب می‌زند و باید بجای این رفتارها از کمک متخصصان در این حوزه بهره مند شوند.

یکی از دیگر مشکلات این کودکان که والدین باید به آن توجه داشته باشند مشکلات شناختی آنها است. این کودکان به دلیل ژنتیک خاصی که دارند از نقص‌های عملکردی در برخی از مدارهای عصبی مسئول در یادگیری برخوردارند. این به معنای آن نیست که آنها هوش پایین دارند. به هیچ وجه! بسیاری از کودکان با اختلال یادگیری از بهره هوشی طبیعی بهره مند هستند و مشکلات و ناتوانی‌های هوشی می‌توانند و این امکان را دارند که با اختلالات یادگیری و یا هر اختلال دیگر دوران کودکی همراه شود اما به صورت کلی بهره هوشی پایین جزو مشخصه‌های اصلی و علت این اختلال شمرده نمی‌شود. به هر حال، والدین باید بدانند که فرزندان آنها به دلیل این مشکلات شناختی در انجام تکالیف و یادگیری‌های تحصیلی و غیر تحصیلی ناتوان هستند و در نتیجه لازم است تا برای رفع و بهبود آنها تلاش شود.

کودکان اختلال یادگیری به صورت طبیعی در حافظه کاری مشکل دارند. حافظه کاری توانایی نگه داشتن مطالب و موارد مختلف در ذهن به صورت آنی و در لحظه است و رابطه بین حافظه بلند مدت و دنیای بیرون را برقرار می‌کند. نقص در کارکردهای اجرایی از جمله مشکلاتی است که در برنامه ریزی، حل مسأله، انعطاف پذیری ذهنی، توجه و بازداری و کنترل رفتاری نقش دارد. این توانایی نیز از ضعف در این کودکان برخوردار است. ادراک و تمییز دیداری و شنیداری نیز لازم است تا در این کودکان مورد توجه قرار گیرد.

همان گونه که ملاحظه می‌کنید آگاهی از این مشکلات کاملا دید شما به مشکلات کودکان را تغییر می‌دهد. در صورتی که مشکلات کودکان را ناشی از ضعف‌های خاصی بدانید و نه تنبلی ذاتی آنها خیلی راحت‌تر می‌توان مشکلات آنها را حل کرد. اما باید در نظر داشته باشید که حل کردن این مشکلات بدون کمک یک متخصص روانشناس کودکان با اختلال یادگیری امکانپذیر نیست.



ابزارها و فرآیند تشخیص اختلالات ویژه یادگیری در کودکان



در زمینه سنجش و ارزیابی حوزه‌ها و رشته‌های مختلف روانشناسی، همیشه یک مسأله وجود دارد و آن این است که چگونه می‌توان ابزاری را طراحی و ساخت که با اجرای آن بتوان به تشخیص درست یک مسأله یا موضوع نزدیک شد و از تشخیص اشتباه آن پرهیز کرد؟ این باعث می‌شود تا متخصص و ارزیاب بتواند به تشخیص خود با دقت بیشتری اطمینان و روند درمان مناسبی را طراحی کنند.

در زمینه تشخیص اختلالات یادگیری روش‌ها و ابزارهای مختلفی وجود دارد که متخصصان و ارزیابان از آنها استفاده می‌کنند. اولین روش و معتبرترین آنها روش مصاحبه است. در این حالت والدین و کودک در اتاق ارزیابی و تشخیص و در حضور متخصص و ارزیاب حاضر هستند و از نزدیک در مورد مشکلات کودک صحبت می‌شود. در این حالت والدین علائم و نشانه‌هایی را که مورد شکایت آنها و نگران کننده است مطرح می‌کنند. در ادامه روانشناس یا روانپزشک سوالات تکمیلی را جهت مهیا کردن پیشینه‌ای درست و کافی از علائم کودک در مصاحبه با والدین تهیه می‌کند. در مصاحبه، روانشناس و روانپزشک به صورت مستقیم با خود کودک نیز صحبت می‌کنند و رفتارهای او را در اتاق مصاحبه تحت نظر می‌گیرند. در همین نوع از تعامل است که آنها مشکلات دیگری را نیز در صورت وجود در رفتار کودک بررسی می‌کنند و برای روشن شدن ابهاماتشان در مورد آن علامت‌ها نیز سوالات لازم را از والدین و همراه کودک می‌پرسند. گاهی امکان دارد که متخصص از نوعی مصاحبه ساختاریافته و منظم استفاده کند و از والدین سوالات مشخص و خاصی را در رابطه با هر مشکل در کودک بخواند. در این حالت این اطلاعات نیز در ضمیمه اطلاعات دیگر کسب شده قرار می‌گیرد.

در بسیاری از موارد متخصصان پس از ارزیابی نهایی و تشخیص مورد نظر تلاش می‌کنند تا علائم و نشانه‌های



کودک را از طریق تست‌ها و آزمون‌های مختلف روانشناختی نیز بسنجند. این کار از اهمیت خاصی برخوردار است. والدین و یا همراهان کودک امکان دارد که نتوانند به صورت درست اطلاعات را در اختیار متخصص قرار دهند و یا اینکه در مورد رفتار کودک در محیط‌های مختلف آگاهی نداشته باشند. گاهی حتی والدین در توضیح رفتارهای کودک اغراق می‌کنند و علائم را برای خود بزرگ‌نمایی کرده‌اند. از طریق این ابزارهای روانشناختی می‌توان چنین مسائل و مشکلاتی را نیز برطرف کرد.

از انواع ابزارهایی که برای این کودکان وجود دارد می‌توان به دو دسته کلی اشاره کرد: دسته‌ای از این ابزارها مشکلات اصلی در اختلال یادگیری را بررسی می‌کنند و دسته‌ای دیگر از آزمون‌ها هستند که مشکلات همراه و همزمان با این اختلال را می‌سنجند. این تست‌ها اطلاعات بسیار ارزشمندی را از خود علائم اصلی و همچنین مشکلات همراه با آن امکان پذیر می‌کنند و به متخصص اجازه می‌دهند تا در مورد درمان تجویزی برای کودک بهتر تصمیم‌گیری کند. مثلاً در نظر بگیرید که یک کودک اختلال یادگیری دارد اما او همزمان مبتلا به اختلال نقص‌توجه و بیش‌فعالی است. در این حالت بهره‌گیری از دو تست مختلف برای مشخص کردن مشکل همراه بسیار کمک‌کننده است. چرا که تشخیص آن و ارائه درمان مکمل راه درمان اختلال یادگیری را هم هموار می‌کند.

از جمله آزمون‌هایی که برای اختلالات یادگیری می‌توان استفاده کرد، آزمون پیشرفت تحصیلی وودکاک-جانسون است که مهارت‌های مختلف در خواندن، نوشتن و ریاضی را بررسی می‌کند. این آزمون مهارت‌های پایه را با پرسیدن سوالات مختلف از کودک و انجام تمرین‌های مختلف می‌سنجد و ملاک دقیقی را از ضعف‌های کودک در انواع مهارت‌های تحصیلی نشان می‌دهد.

در رابطه با اختلالات دیگر می‌توان به تست دیداری-شنیداری IVA اشاره کرد که توجه دیداری و شنیداری در کودک را می‌سنجد و برای تشخیص اختلال نقص‌توجه و بیش‌فعالی از دقت خوبی برخوردار است. آزمون TVPS، مجموعه آزمون‌های VSX، CANTAB، اضطراب، افسردگی و وسواس نیز در بررسی توانایی‌های ذهنی، حافظه، توجه، ادراک دیداری و هیجان‌های مختلف کودکان با اختلال یادگیری بسیار دارای اهمیت هستند و می‌تواند کمک‌کننده باشد. با توجه به مطالب بالا می‌توان مشاهده کرد که با استفاده از تخصص ارزیابان مختلف و همچنین آزمون‌های روانشناسی مختلف می‌توان به صورت دقیق مشکلات کودک را تشخیص و برای درمان تصمیم‌گیری کرد.

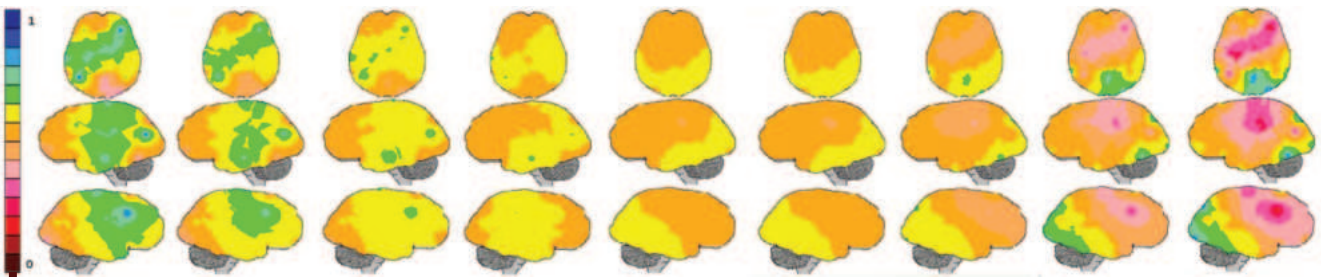


آیا نقشه مغزی

می تواند در تشخیص اختلالات همراه

با اختلال یادگیری کودکان

کمک کننده باشد؟



یکی از مشکلاتی که همراه با اختلال یادگیری در کودک همیشه وجود دارد، این است که این اختلال به تنهای در کودک نیست و همیشه این امکان هست تا با یک یا دو اختلال روانشناختی دیگر همراه باشد. در واقع این جزو ماهیت اختلالات روانی است که امکان دارد که همواره چندین اختلال فرد را تحت تاثیر مشکلات مختلف قرار دهند. به این حالت اختلالات همبود می‌گویند. اهمیت و ضرورت این اختلالات در این است که همواره لازم است تا در کنار رفع مشکلات اصلی کودک در زمینه اختلال یادگیری به این مشکلات همبود هم توجه شود. چرا که این اختلالات همبود باعث می‌شوند تا ضعف در عملکرد کودک بیشتر از زمانی که صرفاً یک اختلال را دارد، باشد و به همین دلیل باید برای آن راه چاره اندیشید. به همین دلیل است که در درمان کودکان با اختلال یادگیری باید درمانی ترکیبی و نه صرفاً یک درمان را جست.

اما چگونه می‌توان این اختلال را بررسی و تشخیص داد و چگونه می‌توان از تشخیص درست استفاده کرد تا درمان درست را نیز تجویز کنیم؟ این سوالی است که در سال‌های اخیر با رشد فناوری در حوزه علم و استفاده محققان مختلف از این روش‌ها توانسته‌اند تا حدود زیادی دقت عمل را بالا ببرند. اولین روش استفاده از مصاحبه بالینی است که در هر ارزیابی روانشناختی یکی از بهترین روش‌ها است. در مرحله بعدی استفاده از ابزارهای مختلف مانند پرسشنامه‌ها، چک لیست‌ها و تست‌های رایانه‌ای است. نوع دیگری از ابزارهای که در سال‌های اخیر توجه درمانگران و محققان مختلف به آن جلب شده است، نقشه مغزی یا QEEG است.

نقشه مغزی ابزاری است که از طریق چندین الکتروود روی پوست سر امواج مغزی نواحی مختلف مغز را جمع‌آوری می‌کند و از طریق تجزیه و تحلیل این امواج الگوهای عملکرد مغز را مشخص می‌کند. سه اختلال که مخصوصاً در کودکان با اختلال یادگیری نیز وجود دارد و می‌توان از طریق نقشه مغزی آنها را بهتر تشخیص داد: اضطراب، افسردگی و نقص توجه و بیش‌فعالی است.



در رابطه با اضطراب کاربرد نقشه مغزی به این صورت است که معمولا امواج با فرکانس بالاتر در نواحی جلویی مغز یا میانی و پشتی سر دارای دامنه بالاتری از حد معمول هستند. در واقع این کودکان به دلیل اضطرابی که دارند مغزشان با حالت گوش به زنگی و پریشانی بیشتری کار می‌کند و همیشه با نگرانی و دلهره واکنش نشان می‌دهند.

در افسردگی مسأله جالب است. افسردگی اختلالی است که با سطح انرژی پایین و بی حالی و بی حوصلگی در کودک مشخص می‌شود. این کودکان شاد نیستند و غمگینی و تنهایی بخشی از رفتارهای آنها است. اما نقشه مغزی چگونه کمک می‌کند؟ در مطالعات مختلف نشان داده شده است که افراد افسرده دارای دامنه امواج با فرکانس ۸ تا ۱۲ بالاتری از حالت طبیعی هستند و این حالت غیر طبیعی امواج در نیمکره چپ مغز غالب است. این بالا بودن امواج آلفا در نیمکره چپ با فعالیت پایین این نیمکره همراه است. در این حالت و از روی نقشه مغزی می‌توان چنین مسأله‌ای را در کودکان تشخیص داد.^۱ اما در رابطه با اختلال نقص توجه و بیش فعالی به صورت ویژه‌تر می‌توان از چنین چیزی صحبت کرد.

در رابطه با اختلال نقص توجه و بیش فعالی مطالعات مختلفی صورت گرفته است. تقریبا تمامی این مطالعات در زمینه نقشه مغزی، نشان داده اند که می‌توان از یک نسبت امواج در این اختلال استفاده کرد و با دقت بالا تشخیص را برای این اختلال گذاشت. این مطالعات نشان می‌دهند که در کودکان با اختلال نقص توجه و بیش فعالی نسبتی از امواج تتا و بتا، یعنی امواج با سرعت آهسته و تند وجود دارد که با استفاده از آن می‌توان نقص توجه و بیش فعالی در کودک را تشخیص داد. در واقع در این کودکان نسبت امواج تتا به امواج بتا از حالت عادی بالاتر است و به همین دلیل نیز دارای رفتارهایی هستند که با سن آنها تناسب ندارد. چرا که این نسبت تحول، بلوغ و رشد مغز را نشان می‌دهد. زمانی که این نسبت بالا است یعنی اینکه بلوغ مغز به روند عادی خود نیست.

در کودکان با اختلال نقص یادگیری همواره می‌توان از این روش برای تشخیص اختلالات همراه و به خصوص نقص توجه و بیش فعالی استفاده کرد و برای درمان آنها چاره اندیشی کرد.

۱. البته این یافته‌ها در بزرگسالان مشاهده شده است و در رابطه با کودکان باید با احتیاط به کار گرفته شود.



بهترین زمان اقدام برای درمان اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

اختلال یادگیری یکی از اختلالات بسیار مهم در دوران کودکی است. اهمیت و ارزش این اختلال در روند زندگی کودک به گونه‌ای است که می‌تواند از دامنه‌ای از مشکلات گسترده باشد. در کنار مشکلات هیجانی و ناخوشایندی که برای او به همراه می‌آورد، می‌تواند با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای کودک یعنی سواد آموزی و عدم توانایی در خواندن، نوشتن و ریاضیات همراه باشد. هر اندازه که این اختلال از نظر والدین و اطرافیان کودک دور می‌ماند، کودک یک قدم به آینده‌ای با توانایی‌ها و پیشرفت‌های تحصیلی ضعیف‌تر نزدیک‌تر می‌شود. این اختلال در واقع به گونه‌ای است که می‌تواند در ابعاد دیگر زندگی مثل اقتصادی، شغلی، زوجی، خانوادگی و مهارت‌های اجتماعی تداخل ایجاد کند. به همین دلیل لازم است تا برای رفع آن والدین اقدام کنند.

آیا تعیین وجود یا فقدان این اختلال در سنین اولیه قابل تشخیص است یا خیر؟

در این رابطه محققان بیان می‌کنند که معمولاً تا قبل از سن مدرسه نمی‌توان با دقت بالا بیان کرد که آیا کودک مبتلا می‌شود یا خیر اما از طریق ارزیابی برخی مهارت‌های کودک در آواشناسی و صداکشی و صداهاى مختلف، می‌توان مشکلاتی در خواندن و نوشتن را تشخیص داد. با این حال تشخیص درست و به موقع به خوبی در سن مدرسه امکان پذیر است و می‌توان از طریق ارزیابی‌های مختلف بالینی و تحصیلی مشکل را





تشخیص داد. این کار با پیامدهای مثبت زیادی می‌تواند برای کودک همراه باشد.

آیا در همان دوران اولیه تحصیل کودک بهتر است تا برای درمان اقدام کرد یا اجازه داد که کودک به مراحل و پایه‌های بالاتر برود و سپس با داشتن سن بیشتر و توانایی‌های ذهنی سطح بالاتر اقدام کرد؟

جواب این سوال قطعا این است که به محض این که مشکلات مرتبط با کودک خود را مشاهده کردید باید برای درمان آن اقدام کنید. این اختلال

به گونه‌ای است که هر چقدر در سنین پایین‌تر و مقاطع ابتدایی اولیه باشد، می‌توان انتظار درمان بهتری را داشت. همان‌گونه که ذکر شد این کودکان در تشخیص صداها و ارتباط آنها با حروف مشکل دارند. آنها در یادگیری قواعد حاکم بر ترکیب صداها و ساخت کلمات ناآگاه هستند و مشکل دارند. در نتیجه زمانی که کلمه یا جمله‌ای به آنها داده می‌شود، نمی‌توانند آن را تلفظ و بخوانند.

این همان دورانی است که در پایه‌های اول ابتدایی و ساله‌های اول مدرسه آموزش داده می‌شود. در واقع زمانی است که کودک بیشترین آمادگی را دارد تا بتواند این صداها و حروف را یاد بگیرد و بتواند براساس قواعد مربوطه آنها را بیاموزد. زمانی که از این سن گذر می‌کنیم دیگر نمی‌توانیم آن انتظار اولیه آمادگی مغز برای یادگیری را داشته باشیم و در نتیجه معمولا آموختن و آموزش این مهارت‌ها به کودکان با پایه‌های بالاتر دشوار هم هست. اما کودکی که در پایه اول و یا دوم مراجعه می‌کند، از همان ابتدا می‌تواند به صورت پایه‌ای و اصولی صداها و حروف را یاد بگیرد و با بهره‌گیری از درمان به خواننده‌ای عادی و نویسنده‌ای خوب تبدیل شود. چرا که در واقع با دریافت درمان کودک مسائل پایه را بخوبی می‌آموزد و برای پایه‌های بعدی مشکلی ندارد و می‌تواند همان اصول اولیه یاد گرفته شده را تمرین کند. ولی زمانی که فرد درمان ابتدایی را دریافت نکرده است، نه تنها مطالب و مهارت‌های مختص سال‌های اول را خوب نتوانسته است فرا بگیرد بلکه مراحل بعدی را نیز ناقص یاد گرفته است و به همین دلیل است که مشکلات مختلف پایه‌ای و اساسی را در آنها مشاهده خواهیم کرد که تا حل نشوند نمی‌توان به مراحل پایه اصلی خود کودک برگشت. برای همین است که معمولا طول دوره درمان نیز طولانی می‌شود و در این مسیر کودک با تمرینات زیاد و حجم‌های از اطلاعات روبرو خواهد شد.

به عنوان نتیجه‌گیری باید بیان کرد که درمان و خدمات درمانی برای کودکان با اختلال یادگیری بهترین زمان برایش دوران پایه‌های اولیه ابتدایی و در همان دوران اولیه بروز مشکلات است.

برای کودک اختلال یادگیری ام معلم خصوصی بگیرم؟



پدر و مادرهای کودکان با اختلال یادگیری معمولا همیشه با این سوال روبرو هستند که: **آیا واقعا لازم است تا ما برای کودک با اختلال یادگیری خود معلم خصوصی یا درمانگر مختص اختلال یادگیری داشته باشیم؟ اگر جواب این سوال «بله» است پس چرا آنها را اصلا به مدرسه می‌فرستیم؟**

این سوالات بسیار به جا و مناسب هستند. در واقع از این طریق است که والدین می‌توانند در مورد نحوه برنامه ریزی و سازماندهی مشکلات کودکان مثبت عمل کنند.

پاسخ دادن به این سوالات به بسیاری موضوعات دیگر بستگی دارد. ابتدا سیستم آموزشی هر کشور است. در کشورهای توسعه یافته‌تر معمولا این کودکان را پس از انجام آزمون‌های بررسی اختلال یادگیری، مشاور یا روانشناس مدرسه کودک را به نمایندگی‌های قانونی و بیمه آن کشور ارجاع می‌دهد تا بتواند خدمات ویژه آموزشی را دریافت کنند.

در سال‌های اخیر در ایران، مراکز درمان اختلال یادگیری از سوی وزارت آموزش و پرورش دایر شده اند که پس از ارجاع کودک به مرکز و بررسی معلمین آموزش و پرورش، تمرین‌های مورد نیاز و آموزش‌های لازم طبق برنامه مرکز مورد نظر انجام می‌شود.

در بسیاری از موارد باید اذعان کرد که لازم است تا برای درمان این مشکل در کودکان یا به مراکز دولتی اختلال یادگیری و یا مراکز خصوصی حتما مراجعه کرد. در بسیاری از موارد توصیه می‌شود که در صورتی که معلم خود کودک دارای مهارت‌های لازم برای آموزش کودک با اختلال یادگیری بود، خود او نیز آموزش او در جلسات تک نفره را بر عهده گیرد. این مهم در بسیاری از مواقع امکان پذیر نیست. در نتیجه توصیه می‌شود که برای رفع مشکلات کودک به مراکز تخصصی اختلالات یادگیری مراجعه شود.

در این مراکز چه خدماتی ارائه می‌شود؟

برخلاف مدرسه که دارای روند آموزشی خود است و باید طبق یک برنامه آموزشی جلو برود، در مراکز درمان اختلال یادگیری روند به این شکل نیست. این مراکز دارای بخش‌های ارزیابی مشخصی هستند که هم ناتوانی‌های یادگیری را بررسی می‌کند و هم اینکه به دیگر مشکلات همراه با مشکل کودک نیز رسیدگی می‌شود. در این مراکز آزمون‌ها و تست‌های لازم برای ارزیابی سطح پایه کودک انجام می‌شود و این از آن جهت مهم است که در اختیار درمانگر متخصص در اختلال یادگیری قرار می‌گیرد. در نتیجه در این حالت است که این روانشناس و متخصص، برای کودک درمانی جامع را طراحی می‌کند. به این دلیل است که بسیار توصیه می‌شود تا برای کودکان با اختلال یادگیری از معلم خصوصی آگاه به آموزش این کودکان و یا درمانگران متخصص اختلال یادگیری مراجعه شود. این متخصصان در واقع با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی متفاوت از مدرسه و مختص به این کودکان مهارت‌های آنها را بهبود می‌دهند و علائم را رفع می‌کنند.

نکته‌ای که بسیار مهم است و باید به آن دقت کرد نقش والدین در سرنوشت این کودکان است. لازم است تا والدین در ارتباط مستقیم با مدرسه باشند و مشکلات کودکان را از نزدیک کنترل کنند. در بسیاری از مواقع این احتمال می‌رود که والدین از مهارت‌های آموزشی معلم کودک خود ناراضی و یا مخالف باشند. باید در نظر داشت که در بسیاری از مواقع این معلمان نیستند که باید روش آموزشی خود را تغییر بدهند بلکه کودک است که به روش دیگری می‌آموزد و در یادگیری مهارت‌های تحصیلی مشکل دارد. معلم مجبور است تا آموزشش را با تمامی کودکان تطبیق دهد و با توجه به وقت کلاس نمی‌تواند زمان زیادی را به کودک با اختلال یادگیری اختصاص دهد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود تا از درمانگران اختلالات یادگیری هم در موازات مدرسه کمک گرفته شود و همچنین معلم و درمانگر و والدین در ارتباط مستقیم با هم باشند. این باعث می‌شود تا والدین بتوانند مشکلات فرزندانشان را به خوبی مدیریت و زیر نظر داشته باشند تا بتوانند آنها را حل کنند.



درمان‌های اختلالات ویژه^s یادگیری در کودکان

$$\begin{array}{l} 1+5=6 \\ 3+4=7 \\ 6+4=10 \\ 10-3=7 \\ 9-7=2 \end{array}$$

$$\begin{array}{l} 2+5=7 \\ 7+2=9 \\ 10-4=6 \\ 9-1=8 \\ 11-5=... \end{array}$$

$$\begin{array}{l} 1+2= \\ 3+4= \\ 20-8= \\ 9-7= \end{array}$$



اختلال یادگیری از جمله اختلالات در دوران کودکی است که با علائم و مشکلات فراوانی در کودکان با سن مدرسه بروز می‌کند. این اختلال در سه حوزه اصلی یادگیری در مدرسه تداخل می‌کند: خواندن، نوشتن و ریاضی. این کودکان به دلیل عدم توانایی در ارتباط برقرار کردن بین صداها و حروف مرتبط با آنها دارای خواندنی ناقص و کند با بی دقتی و عدم تشخیص حروف و کلمات هستند که در بسیاری از مواقع از درک معنای آنها نیز ناتوان هستند. همچنین زمانی که به آنها مطالبی گفته می‌شود تا بخوانند به صورت مشخص نمی‌توانند کلمات را روی کاغذ بیاورند و به همین دلیل است که در دیکته و املا نمره پایین کسب می‌کنند. مشکل زمانی بیشتر می‌شود که در یادگیری اعداد و قوانین حاکم بر آنها به همراه درک و حل مسائل به مشکل می‌خورند. متخصصان هر کدام از این ناتوانی‌ها را با عنوان‌های نارساخوانی، نارسا نویسی و نارسایی در محاسبات نام گذاری کرده‌اند.

والدین نیاز است تا در برطرف کردن مشکلات فرزندانشان برای درمان آنها اقدام کنند. اما مسأله این است که کدام درمان‌ها را می‌توان برای آنها به کار گرفت و آیا باید از درمان‌های مشخصی بهره گرفت یا صرفاً یک درمان برای آنها کافی است؟

قبل از هر چیز باید بیان کرد که دارو درمانی به صورت کامل مشکلات کودک در خواندن، نوشتن و ریاضی را برطرف نمی‌کند. دارو می‌تواند سازوکارهای عصبی و مغزی لازم برای یادگیری کودک را بهبود دهد و توانایی کودک را بالا ببرد اما این روش درمانی به عنوان درمانی اصلی در این سه ناتوانی کودک با اختلال یادگیری به حساب نمی‌آید. از دارو درمانی مخصوصا زمانی می‌توان در این کودکان استفاده کرد که اختلالات دیگری همچون مشکلات نقص توجه و بیش فعالی یا اضطراب و افسردگی در کودک وجود داشته باشد. در این حالت می‌توان برای هموار کردن مسیر اصلی و آموزش مهارت‌های اصلی در درمان کودک از دارو درمانی استفاده کرد.



استفاده از بازتوانی شناختی کامپیوتری راه درمان دیگری است که در بهبود مهارت‌های شناختی و یا ذهنی کودک می‌تواند کمک کننده باشد. در این روش با انجام تمرینات ذهنی در قالب بازی می‌توان توجه، تمرکز، حافظه و قدرت سازماندهی و برنامه ریزی کودک در یادگیری را بهتر کرد. این روش معمولا در کنار درمان اصلی این اختلال استفاده می‌شود و درمانگران از آن برای بهبود مهارت‌های پایه و لازم برای یادگیری و کسب مهارت‌های مورد نیاز استفاده می‌کنند.



روش آموزش مستقیم و ویژه اختلالات یادگیری، اصلی‌ترین درمان در این کودکان است. در واقع هر کدام از روش‌های ذکر شده همانطور که گفته شد روی مهارت‌های پایه مغزی درگیر در یادگیری و توانایی‌های ذهنی نقش دارند اما به صورت مستقیم آموزش مهارت‌های خواندن، نوشتن و ریاضیات را به کودک ندارند. در روش آموزش مستقیم و ویژه این کودکان درمانگر اختلال یادگیری از طریق روش‌های درمانی و مختص این اختلال ضعف‌های مشخص در واج‌شناسی، هجابندی، کلمه‌سازی، جمله خوانی، جمله‌نویسی، درک مطلب، درک اعداد، آموزش و درک قوانین حاکم بر اعداد، عملیات‌های ریاضی و هر آنچه را پوشش می‌دهد که در تحصیل نقش دارند و با طراحی تمرین‌های مشخص و درمانی در جلسات درمانی و منزل ناتوانی کودک را کاهش می‌دهند.

استفاده از نوروفیدبک و تحریک مغزی در سال‌های اخیر برای این کودکان رایج شده است. محققان و درمانگران از طریق نوروفیدبک و تحریک مغزی همان کاری را که می‌توان با دو روش قبلی انجام داد، می‌توانند در مدت زمانی متفاوت انجام داد. آنها از طریق نوروفیدبک و تحریک مغزی سعی می‌کنند تا با تاثیر بر عملکرد عصبی و مغزی کودک و بدون اعمال عوارض جانبی خاصی که در دارو درمانی وجود دارد، مهارت‌های پایه را بهبود و ارتقا بخشند. اهمیت نوروفیدبک و تحریک مغزی مخصوصاً زمانی خود را نشان می‌دهد که کودک دارای اختلالات دیگری است. این مسأله مخصوصاً در اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی بسیار کاربرد دارد. نوروفیدبک روی بهبود علائم نقص توجه و بیش‌فعالی در تحقیقات مختلف بررسی شده است و نشان داده شده است که کاربرد درمانی و بالینی خاصی دارد.

در واقع هر کدام از روش‌های درمانی بالا می‌توانند به صورت ترکیبی و در کنار هم برای بهبود مشکلات کودک با اختلال یادگیری بکار رود و در کاهش علائم آنها از آنها استفاده کرد.



اختلال یادگیری یکی از اختلالات در دوران کودکی است که با مشکلات جدی در مهارت‌های تحصیلی کودک تداخل می‌کند. این کودکان در خواندن، نوشتن و ریاضیات مشکلات جدی دارند. آنها به دلیل ضعفی که در مدارهای عصبی نواحی خاصی از مغز دارند از توانایی خواندن، نوشتن و ریاضیات خوبی برخوردار نیستند و هر چند که ممکن است تا حدودی عملکرد قابل قبولی داشته باشند اما در صورتی که درمان‌های لازم را دریافت نکنند، هیچگاه به خوانندگان، نویسندگان یا فردی با مهارت‌های خوب در ریاضی تبدیل نمی‌شوند. کودکان با اختلال یادگیری این امکان برایشان مطرح است که فقط در یکی از این حوزه‌ها مشکل داشته باشد و یا اینکه در ترکیبی از آنها. آنها همچنین امکان دارد که در طول رشد و بزرگ‌تر شدن سنشان برخی از مهارت‌های پایه را کسب کنند و مشکلاتشان برطرف شود اما این به معنای آن نیست که باز مشکل به صورت کامل رفع شده است و باید برای برطرف کردن آنها حتماً درمان دریافت کنند.





یکی از درمان‌های ممکن برای این کودکان درمان به وسیله دارو است. اما سوالی که وجود دارد این است که:

- آیا دارو مانند نقش آن در درمان دیگر اختلالات برطرف کننده علائم است و به صورت کامل مهارت‌های خواندن و نوشتن را به کودک برمی‌گرداند یا اثرات دیگری دارد؟
- آیا می‌توان صرفاً با مصرف دارو از دریافت درمان‌های آموزشی برای کودک پرهیز کرد؟

در رابطه با مصرف دارو باید اذعان کرد که داروها هر چند با مصرفشان می‌توان انتظار بهبود در عملکرد کودک را داشت اما به معنای این نیست که مشکل را برطرف می‌کند. در واقع در دارو درمانی کودک مهارت‌های نوشتن و خواندن یا ریاضیات را دریافت نمی‌کند. بلکه او از طریق مصرف این دارو عملکرد نواحی مغزی درگیر در یادگیری تغییر می‌کند و تا حدودی توانایی دریافت و پردازش اطلاعات مختلف در مغزشان تسهیل می‌شود. این کار باعث می‌شود تا برخی از جنبه‌های مشکلات آنها کاهش یابد اما در واقع مشکلات آنها به صورت جدی باقی خواهد ماند. این به این دلیل است که دارو در اساس چیزی به کودک یاد نمی‌دهد در حالی که برای رفع این علائم حتماً باید به کودک با اختلال یادگیری مطالب و مهارت‌ها را آموزش داد و در طی جلسات مختلف با او کار کرد.






نکته بالا در مورد کودکان عادی و بدون اختلال یادگیری نیز صادق است. فرض کنید این کودکان را به مدرسه نفرستیم و در خانه بدون آموزش خاصی رها کنیم. یا مثلاً داروی خاصی را به او بدهیم. آیا می‌تواند به خودی خود مهارت‌های تحصیلی را کسب کند؟ مطمئناً خیر. این دانش‌آموزان نیز نیاز دارند تا در مدرسه آموزش‌های لازم را برای کسب این مهارت‌ها بگذرانند. مسأله این است که هر دسته از این کودکان به نوع آموزشی خاصی یاد می‌گیرند. نوعی باید تمرین زیاد بکنند و روش‌های درمانی و آموزشی خاصی را دریافت کنند و نوع دیگر نیاز دارند تا صرفاً در کلاس حاضر شوند و از آموزش‌های معمولی در مدارس بهره ببرند. کودکان با اختلال یادگیری نیز هر چند شاید با مصرف دارو تا حدودی یادگیریشان بهبود یابد اما بدون دریافت روش‌های درمانی ویژه خودشان هیچوقت به صورت کامل مهارت‌های لازم را کسب نمی‌کنند و چه بسا از مدرسه بعد از دوران خاصی ترک تحصیل کنند. اما در رابطه با مشکلات خاصی می‌توان از دارو برای این کودکان استفاده کرد.

در مواردی که کودک دارای هیجان‌ات منفی بالایی مانند اضطراب و یا افسردگی است مخصوصاً می‌توان از دارو کمک گرفت. این مورد در رابطه با کودکان با اختلال یادگیری به همراه نقص توجه و بیش‌فعالی هستند، بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که کودک مبتلا به ADHD نیز هست، باید حتماً از درمان‌های مرتبط با این اختلال مانند نوروفیدبک، تحریک مغزی و یا دارو بهره گرفت. این کار باعث می‌شود تا مشکلات آن پوشش داده شود و مسیر درمان برای کسب مهارت‌های تحصیلی پایه هموار شود.



به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بیان کرد که کودکان با اختلال یادگیری با مصرف دارو مهارت‌های تحصیلی را چندان نمی‌توانند کسب کنند اما از طریق دارو می‌توان مشکلات همزمان با این اختلال و مخصوصاً ADHD را پوشش داد.





نوروفیدبک مشکلات تحصیلی کودکان را بهتر می‌کند؟

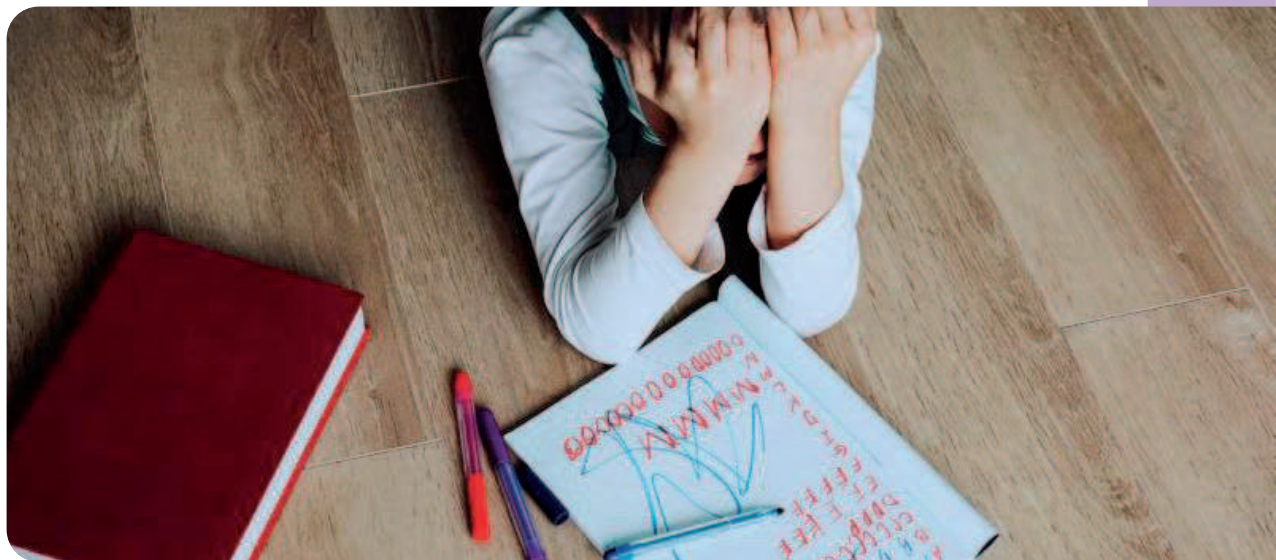
استفاده از روش‌های تنظیم عصبی در درمان اختلالات مختلف روانشناختی در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان در نقاط مختلف دنیا را به خود جلب کرده است. در این روش‌ها و با استفاده از ابزارهای مختلف برای تغییر و تنظیم فعالیت‌های سلول‌های مغزی و عصبی عملکرد مغز و نواحی درگیر در اختلال خاصی دستکاری می‌شود. تحقیقات علمی نشان داده است که نواحی مختلف از قسمت بالای مغز (قشر مخ) در اختلالات مختلفی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس، نقص توجه و بیش‌فعالی، اختلالات یادگیری، اسکیزوفرنی و سایر مشکلات روانشناختی نقش دارند. به همین دلیل، اعتقاد بر این است که می‌توان از طریق دستکاری این نواحی علائم هر مشکل را کاهش داد. نوروفیدبک یکی از این روش‌ها است.

در نوروفیدبک امواج مغزی در ناحیه مغزی خاصی ثبت می‌شود و امواج آن نقطه از طریق نرم افزارهای موجود تحلیل و بررسی می‌شوند. در صورتی که ناهنجاری خاصی در دامنه و ویژگی‌های موج مغزی فرد در ناحیه مورد نظر وجود داشته باشد، درمانگر تنظیماتی را در دستگاه انجام می‌دهد که اگر فرد بتواند طبق آنها عمل کند، تمرین و تکلیفی که باید در رایانه انجام دهد جلو خواهد رفت. از این طریق مغز فرد تقویت و پاداش دریافت خواهد کرد و به تولید امواج بهنجار ادامه خواهد داد. با تمرین این روش در تعداد جلسات مختلف، می‌توان کارکرد سلول‌های مغزی را تغییر داد و از این طریق باعث تولید امواج مغزی بهنجار در آن ناحیه شد. این خود با بهبود در سلول‌های عصبی و تنظیم تعدیل آنها همراه است. اما آیا می‌توان از این طریق به کودک خواندن، نوشتن و ریاضیات آموزش داد؟



در واقع استفاده از این روش در مشکلات روانشناختی مختلف به نوع و ماهیت اختلال بسیار وابسته است. در اختلالاتی مانند افسردگی و اضطراب و یا نقص توجه و بیش‌فعالی از آنجا که با تغییرات الگوهای امواج مغزی ما شاهد بهبود علائم هستیم و ضمن اینکه نیاز نیست تا در برخی موارد مانند خواندن و یا نوشتن به فرد آموزش خاصی بدهیم، این روش‌ها می‌توانند کمک‌کننده باشند. به عنوان مثال در مورد اختلالی مانند نقص توجه و بیش‌فعالی واضح است که سیستم‌های بازداری و کنترل‌کننده مغز روی رفتار ضعیف هستند و در نتیجه می‌توان با تقویت این مدارها و سیستم‌های عصبی کنترل کودک روی رفتارش را بالا برد.

در رابطه با افسردگی نیز مثلاً می‌توان با دستکاری امواج مغزی الگوهای خلق و سطح انرژی فرد را تغییر داد و برای دریافت درمان‌های مکمل دیگر آماده شود. اما این روش به معنای یاددهی مهارت‌های اجتماعی و یا تغییر الگوهای فکری این افراد نیست و برای تغییر آنها نیاز است تا درمان‌هایی مانند نوروفیدبک به همراه و در ترکیب با روان‌درمانی به کار گرفته شود.





در رابطه با اختلالات یادگیری نیز مسأله به همین شکل است. چه بسا که آموزش و انجام روش‌های همزمان با نوروفیدبک از اهمیت زیادی برخوردار است. در رابطه با استفاده از نوروفیدبک در کودکان با اختلال یادگیری می‌توان در دو مورد از این روش کمک گرفت و بهره برد:

■ ابتدا زمانی است که کودک مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی است. در این حالت هر تعداد هم‌جلسات آموزشی ویژه اختلال یادگیری انجام شود و در کنار درمانی برای مشکلات ADHD کودک ارائه نشود، نباید انتظار بهبود علائم بیش‌فعالی در کودک را داشت. همچنین باید انتظار داشت که مشکلات توجه او در مهارت‌های تحصیلی مانند خواندن و نوشتن نیز همچنان ادامه داشته باشد.

■ در مورد دوم از استفاده نوروفیدبک در این کودکان باید گفت که می‌توان از این روش در بهبود توانایی‌های ذهنی مانند حافظه و توجه و ادراک بهره گرفت اما باز به معنای این نیست که جایگزین آموزش و درمان مخصوص اختلال یادگیری است.





در واقع از طریق این روش می‌توان توانایی‌های عصبی پیش نیاز برای یادگیری و آموزش پذیری را بهبود داد و کودک را برای شروع درمان آماده کرد. اما نمی‌توان به او خواندن و نوشتن و یا هجابندی و تشخیص صداها یاد داد. چرا که این روش از اساس مبتنی بر بهبود چنین مشکلاتی نیست و باید برای درمان آنها از روش‌های آموزشی و درمانی مخصوص اختلالات یادگیری در ترکیب با نوروفیدبک بهره گرفت. این کار به روند تسهیل و تسریع کودک با اختلال یادگیری نیز بسیار کمک کننده است و طول مدت درمان را کمتر می‌کند. به همین دلیل لازم است تا والدین بدانند که برای درمان اختلالات یادگیری نوروفیدبک روشی کمک کننده و مناسب در بهبود علائم نقص توجه و بیش‌فعالی کودک است و می‌توان توانایی‌های ذهنی دیگر او را نیز بهبود داد. همچنین می‌توان از آن به عنوان درمانی همزمان با درمان متمرکز بر علائم اختلالات یادگیری استفاده کرد.





tDCS

(تحریک جریان مستقیم فراجمجمه‌ای) و درمان اختلالات ویژه یادگیری

با اسکیزوفرنی، اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی و زوز گوش ذکر شده است. محققان توانسته‌اند با به‌کارگیری این روش در این بیماران علائم روانشناختی آنها را کاهش دهند و بهبودی معناداری را در آنها مشاهده کنند. این روش با تغییر الگوهای عمل در سلول‌های مغزی باعث می‌شود تا کارکرد و عملکرد آنها تغییر کند و افراد احساس بهتری از زندگی داشته باشند.



tDCS یا تحریک جریان مستقیم فراجمجمه‌ای از روش‌های درمانی در سال‌های اخیر است که توجه بسیاری از محققان در نقاط مختلف دنیا را به خود جلب کرده است. این روش از نوعی جریان الکتریکی بسیار خفیف با نام جریان مستقیم بهره می‌برد که با اعمال آن بر نواحی مغزی مختلف روی جمجمه باعث تغییر در ناحیه زیر الکترودهای آن می‌شود. در واقع محققان و سازمان‌های بررسی کننده ایمنی ابزارهای درمانی، این روش را روشی امن در کاربردش برای انسان‌ها تایید کرده‌اند و به اصطلاح آن را جزو روش‌های غیر تهاجمی مغزی دسته بندی می‌کنند.

برای این روش عوارض جانبی بسیار کمی مانند خارش، قرمزی پوست در ناحیه زیر الکترودها و سوزش خفیف پوست سر را ذکر کرده‌اند. در مقابل این عوارض استفاده‌ها و کاربردهای مختلف آن در اختلالات مختلف روانشناختی و روانپزشکی مانند افسردگی، اضطراب، کاهش توهم شنیداری در بیماران



در رابطه با سازوکار عمل این روش بیان شده است که تحریک جریان مستقیم مغزی باعث می‌شود تا فعالیت الکتریکی خود سلول‌های عصبی به سمت عادی شدن حرکت کند و از این طریق است که با بهبود در عملکرد این سلول‌های مغزی علائم فرد نیز کاهش می‌یابد و فرد احساسات عادی را تجربه می‌کند. این روش باعث می‌شود تا ناحیه مغزی تحریکی براساس نوع وظیفه‌ای که در مغز دارد، کارکردش بهتر شود و در انجام وظایف مربوط به آن عملکرد بهتری داشته باشد. این مسأله در مورد کودکان با اختلال یادگیری نیز صدق می‌کند.

در رابطه با مشکلات عصبی در کودکان با اختلال یادگیری بسیاری از تحقیقات نشان داده اند که برخی مدارها و سیستم‌های عصبی در این کودکان دارای نارسایی‌هایی در الگوهای فعالیت الکتریکی خود این سلول‌ها هستند. این نقص در عملکرد سلول‌های عصبی باعث می‌شود تا کودک نتواند مهارت‌های پایه خواندن و نوشتن را کسب کند و به همین دلیل است که علائم را نشان می‌دهند. از آنجا که این سلول‌های عصبی خود بر اساس جریان الکتریکی فعالیت می‌کنند و تحریک جریان مستقیم فراجمعه‌ای هم دقیقاً انرژی از نوع خود آنها را به سلول‌های عصبی می‌دهد، در نتیجه مجاز هستیم تا از آن در درمان این کودکان استفاده کنیم. ضمن اینکه از آنجایی که تحقیقات نشان داده اند که این روش

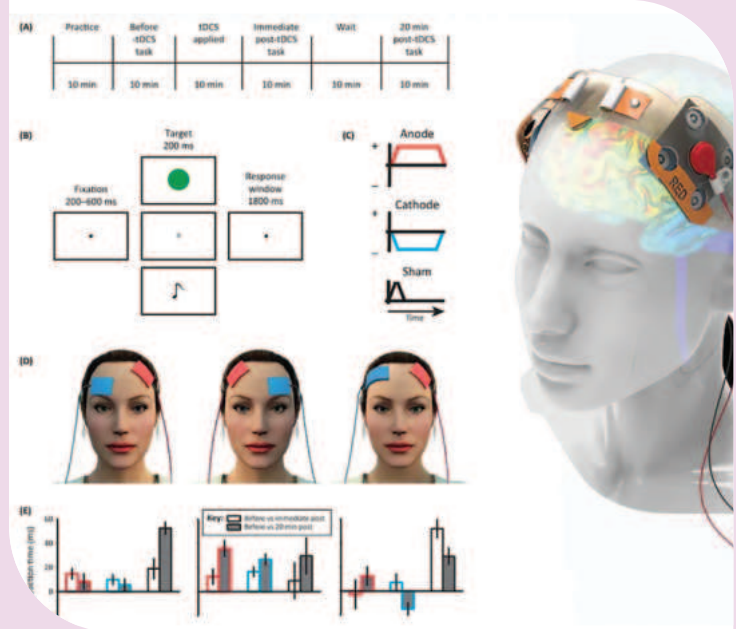
درمانی ایمن است، می‌توان به صورت مطمئن‌تری آن را به کار برد.

در کودکان با اختلال یادگیری می‌توان از این روش مهارت‌های لازم و ضروری در یادگیری را بهبود داد. مهم است تا میان مهارت‌های لازم و پایه برای خواندن و نوشتن و خود فرآیند خواندن و نوشتن تفاوت قائل شد. در واقع این فرآیندها نیازمند آن هستند تا توانایی‌های مختلف ذهنی را مانند توجه و تمرکز، ادراک، تمییز دیداری و شنیداری، حافظه بلند مدت و کوتاه مدت، حافظه فعال (نوعی حافظه که نگهداری و کار کردن روی اطلاعات در زمان حال و لحظه را به عهده دارد و انتقال اطلاعات بین انواع دیگر حافظه را انجام می‌دهد)، درک و فهم مطالب شنیده و نوشته شده و غیره را بکار گرفت تا بتوان مطلبی را خواند و یا نوشت. اما خود فرآیند خواندن و نوشتن



مجموعه‌ای از این فرآیندها و همچنین درگیری نواحی دیگر مغزی مانند نواحی زبانی هستند. همچنین تولید و یادگیری کلمات و مهارت‌های زبانی نیز بخشی هستند که لازم است در این مهارت‌ها در نظر گرفته شوند. در واقع اینها مهارت‌هایی هستند که باید کودک از طریق مشاهده و تمرین و انجام دادن آنها از محیط فرا بگیرد و بکار گیرد و برای کسب آن از مهارت‌های ذهنی پایه‌ای که خود دارد، بهره می‌گیرد.

برای بکارگیری این روش در کودکان با اختلال یادگیری می‌توان مهارت‌های پایه در آنها را تقویت کرد و از این طریق توانایی و ظرفیت کودک را برای یادگیری بهتر کرد. اما این به معنای آن نیست که صرفاً با اعمال این روش در این کودکان آنها بتوانند بخوانند و یا بنویسند. بلکه



این به معنای آن است که این کودکان با دریافت این روش درمانی از سلول‌های عصبی با کارکرد مناسب و کافی برخوردار خواهند شد که ظرفیت یادگیری و ایجاد و تولید این مهارت‌های خواندن و نوشتن را به کودک می‌دهد. کودک با داشتن این ظرفیت و توانایی بهبود داده شده و با دریافت آموزش‌های ویژه و مخصوص خود در یادگیری می‌تواند مهارت‌های کافی برای یادگیری آنها را کسب کند و در درمانش تسهیل و تسریع شود. در نتیجه باید در نظر داشت که برای درمان علائم اختلال یادگیری در کودکان می‌توان از این روش در کنار روش‌های درمانی دیگر برای بهبود علائم بهره برد.

بازتوانی شناختی کامپیوتری

درمانی برای بهبود مشکلات شناختی در کودکان با اختلالات یادگیری



اختلالات یادگیری از اختلالات در دوران کودکی هستند که با بروز مشکلاتی در توانایی‌ها و مهارت‌های یادگیری تحصیلی در کودکان همراه است. این کودکان از توانایی یادگیری

خواندن، نوشتن و ریاضی مشکل دارند و به همین دلیل در همان سال‌های ابتدایی تحصیل با مشکلات جدی در یادگیری و عملکرد تحصیلی مواجه می‌شوند. محققان معتقد هستند که این کودکان امکان دارد در یک، دو و هر سه حوزه این توانایی‌ها به مشکل بخورند. نارسا خوانی، نارسا نویسی و نارسایی در محاسبه

کودکان دارای اختلالات یادگیری از توانایی یادگیری خواندن، نوشتن و ریاضی مشکل دارند

ریاضی سه مشکل اصلی هستند. این کودکان نمی‌توانند صداها و حروف را به هم مرتبط کنند و به همین دلیل در خواندن و نوشتن مشکل دارند. در ریاضیات نیز یادگیری عملیات‌های اصلی ریاضی مانند جمع و تفریق، ضرب و تقسیم برای آنها مشکل است و حل مسأله ریاضی برای آنها امکان پذیر نیست.

یکی از مشکلات دیگر کودکان با اختلالات یادگیری،

ضعف و مشکل در توانایی‌های پایه مغزی است. متخصصان به این توانایی‌ها، توانایی‌های شناختی می‌گویند. منظور از توانایی‌های شناختی فرآیندهای ذهنی مانند توجه، تمرکز، برنامه ریزی، سازماندهی، ادراک صداها و تصاویر، انواع حافظه و بازداری و کنترل روی رفتار است. این کودکان معمولاً دارای عملکرد

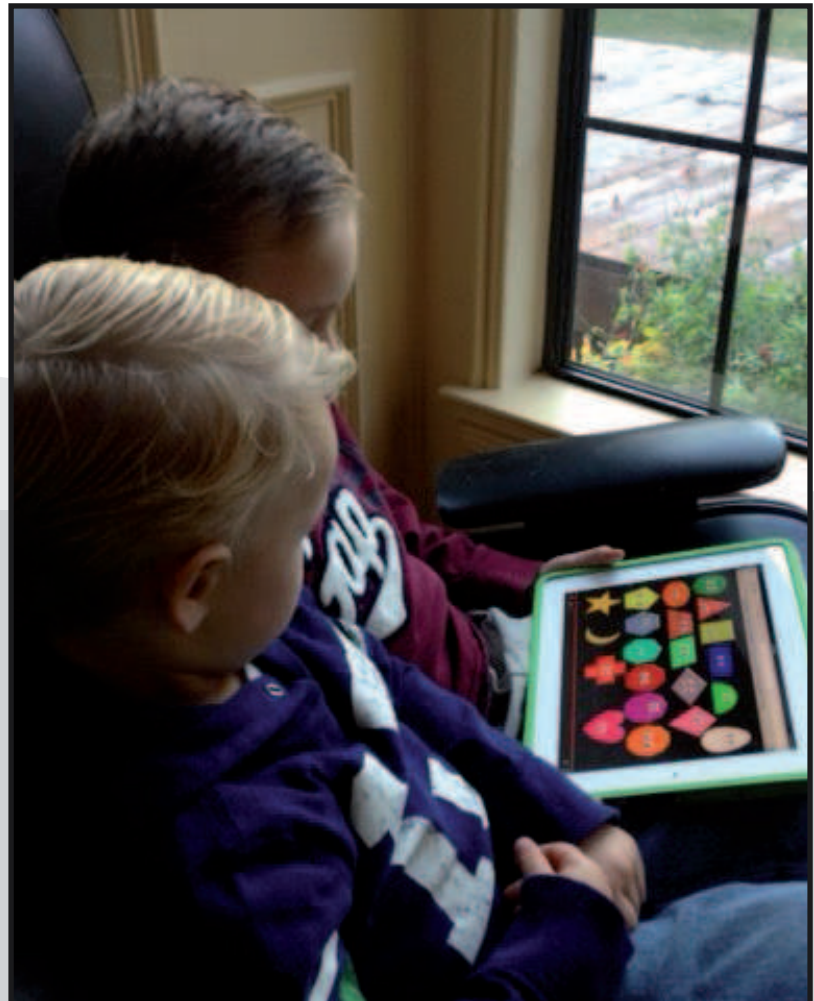
یکی از مشکلات دیگر کودکان با اختلالات یادگیری، ضعف و مشکل در توانایی‌های پایه مغزی است. متخصصان به این توانایی‌ها، توانایی‌های شناختی می‌گویند.

ضعیفی در این توانایی‌ها هستند و به همین دلیل است که در یادگیری و تحصیل آنها نیز تداخل می‌کند. به عنوان مثال ضعف در توجه و تمرکز آنها باعث می‌شود تا در مهارت نوشتن به مشکل بخورند. آنها امکان دارد که نقطه کلمات را نگذارند و یا آنها را جابجا بگذارند. سرکش گذاشتن اضافه و یا سرکش نگذاشتن نیز از جمله مشکلات دقت و تمرکز است. برخی از کودکان با این اختلال این امکان را دارد که عملیات جمع و تفریق را بدانند اما در زمان انجام دادن آنها جمع را تفریق و یا تفریق را جمع کند. اینها نمونه‌ای از مشکلات بی دقتی و توجه در این کودکان است.

عدم توانایی در بخاطر سپاری کلمات و تکرار کردن آنها و یا عدم توانایی در تولید مطلب و جمله نویسی نیز می‌تواند کاملاً تحت تاثیر ضعف در این توانایی‌های ذهنی و شناختی باشد.

ضعف در این توانایی‌های شناختی باعث شده است تا محققان و روانشناسان شناختی روش‌هایی را برای بهبود آنها طراحی کنند. یکی از این روش‌ها استفاده

از تمرینات و یا به زبانی دیگر بازی‌های شناختی است. این روش از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که از طریق انجام دادن آنها می‌توان مسیرهای عصبی درگیر در آنها را فعال کرد و باعث قدرتمند شدن آنها شد. این کار نیز خود با بهبود و بهتر شدن این توانایی‌ها همراه است. به عنوان مثالی از این تمرین، می‌توان یکی از تمرینات آن را ذکر کرد. به عنوان مثال در یکی از تمرینات توجه پایدار کودک باید از میان محرک‌های دیداری مختلفی که به او در یک مدت زمان خاص نشان داده می‌شود، یک محرک و شکل خاص را مد نظر داشته باشد و هر زمان که آن محرک خاص نشان داده شد کلیک ماوس را فشار دهد. این روش باعث می‌شود تا





**تمرینات
و یا به زبانی دیگر
بازی‌های شناختی باید
به صورت منظم هر روز یا
یک روز در میان
تمرین شود**

کودک با بهره‌گیری از توانایی توجه خود و تمرینات مکرر بتواند از توجه و تمرکز
بهتری برخوردار شود.

این روش درمانی برای این کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که
بسیار دسترسی‌پذیری خوبی دارد. اما باید توجه داشت که این روش باید به صورت
منظم هر روز یا یک روز در میان تمرین شود و در دراز مدت دارای پاسخگویی
درمانی است. مدت زمان هر تمرین نیز باید ۳۰ تا ۴۰ دقیقه باشد. اما نکته‌ای که

در ازای این زمان دارد این است که بدون استفاده
از روش‌های دارویی و به دور از عوارض جانبی دارو
می‌توان عملکردهای ذهنی کودک را در تکالیفش
بهبود داد. همچنین والدین می‌توانند در مشورت
با روانشناس و درمانگر کودکان دیگر روش‌های
بهبود این توانای‌های شناختی را بیاموزند و خود با
کودکشان تمرین کنند. این کار از اهمیت بسیار
زیادی نیز برخوردار است چراکه گویی والدین خود
به یک درمانگر شناختی برای کودکان تبدیل
می‌شوند که همیشه در دسترس او هستند و
او هر زمان که بخواهد می‌تواند از وجود آنها بهره
ببرد.



گزارش موردی

اختلال ویژه یادگیری در کودکان

اختلال یادگیری از جمله اختلالات در دوران کودکی است که با مداخله در یادگیری و تحصیل کودک خود را نشان می‌دهد. هر چند که این اختلال با مشکلات مختلفی از جمله ضعف در کارکردهای مدیریتی ذهن، توجه، تمرکز، حافظه، ادراک دیداری و شنیداری، مشکلات هیجانی و روابط بین فردی، برنامه ریزی، سازماندهی و حل مسأله همراه است اما مشکلات خواندن، نوشتن و ریاضی سه مسأله اساسی و اصلی در این اختلال هستند. این کودکان به دلیل ناتوانی که در درک و شناخت حروف و صداهای مرتبط با هر کدام دارند نمی‌توانند آنها را تشخیص دهند و در تلفظ کلمات و خواندن متون با مشکل مواجه هستند. این مسأله در نوشتن نیز خود را نشان می‌دهد و این طبیعی است. زمانی که کودک نمی‌تواند حروف و صداهای آنها را تشخیص دهد در نتیجه نوشتن و تولید متن نیز برای او امکانپذیر نیست. در رابطه با مشکلات ریاضی نیز آنها عملیات‌های ریاضی را متوجه نمی‌شوند و در حل مسائل مربوط به آنها با ضعف روبرو هستند.



برای درک بهتر مشکلات یک کودک با اختلال یادگیری می‌توان به صحبت‌های یک مادر دارای کودکی با این اختلال توجه کرد:

«پسرم ۹ سالشه. او کلاس سوم است و در حال حاضر با مشکلات جدی در درسهایش روبرو شده‌ایم. قبلا هم این مشکلات را داشت اما معلمانش گفتند تا حدی چون مقاطع اول است می‌تواند طبیعی باشد و در طول سال تحصیلی بر طرف خواهد شد. در کلاس اول همیشه با وجود اینکه در مقایسه با والدین دیگر بیشتر با او کار می‌کردم اما نمره‌های املای او در حد قابل قبول و متوسط بود و نه خوب یا خیلی خوب. به همین دلیل همیشه نگران بودم که این مسأله به دلیل کم‌کاری از جانب من است یا مثلا شاید انتظارم از او بیشتر است. اما با رفتن به کلاس دوم و روبرو شدن با جملات و کلمات پیچیده‌تر متوجه شدم که امسال نیز با دردرس روبرویم. با این حال به کمک معلمش تمرین‌های زیادی را در منزل کار می‌کردیم. او در خواندن مشکل داشت. با اینکه کلاس دوم بود ولی اگر کمکش نمی‌کردم نمی‌توانست مثلا نصف حروف را تشخیص دهد. بعد از مدتی دیدم که پیشرفت کرد و توانست تا حدودی در یادگیری حروف و صدای آنها توانمند شود. اما این بار مشکل به صورت دیگری خود را نشان داد. او همچنان در املا و ریاضی در کنار خواندن مشکل داشت. سرعت پایین در خواندن، دقت ضعیف در خواندن خطوط، درک نکردن آنچه را که می‌خواند، نمی‌توانست خلاصه درس‌ها را بنویسد و یا کامل بگوید، معمولا اول و آخر داستان و درس‌ها را آن هم سروپا شکسته می‌گفت و در آخر با ناراحتی و اعتماد به نفس پایین کتابش را می‌بست و گریه می‌کرد. دفتر املايش را که دیدم حروف هم صدا را اشتباه کرده بود. مثلا کلماتی که «صاد» داشتند را اشتباه با «سین» نوشته بود یا مثلا «سیب» را با «صاد» نوشته بود. خیلی نگران شدم. در نوشتن حروف هم صدا در کلمات مختلف دیگر مثل «ز، ظ، ض، ز، ذ» و یا اشتباه گرفتن «ح» با «ه» نیز این مشکل را داشت. نقطه نمی‌گذاشت و در گذاشتن سرکش دقت نمی‌کرد. همیشه در حین تمرین‌ها به او یادآوری می‌کنم که دقت کن ولی انگار وقتی می‌نویسد جسمش اینجا است و روحش جای دیگری است. نمی‌دانم چرا با وجود اینکه این همه با او جمع و تفریق را کار کرده ام باز در مسائل جمع و تفریق اشتباه می‌کند. در شمارش مشکل دارد و الان که قرار است جدول ضرب را هم یاد بگیرد اضطراب و دلهره من بیشتر شده است. این مشکلاتش باعث شده است تا در کلاس هم اعتماد به نفس کافی نداشته باشد و معمولا در دوستی‌ها شروع کننده نیست. همیشه منتظر است تا دیگر بچه‌ها بیان سمتش و در غیر این صورت می‌رود گوشه‌ای برای خودش می‌نشیند. در واقع حتی این مشککش شاید بیشتر آزارم می‌دهد تا مسائل تحصیلیش و به همین دلیل برای آیندشم بسیار نگرانم».

همانطور که می‌بینید این مادر به صورت کامل علائم اختلال یادگیری در کودکش را مشاهده کرده است و برای دریافت درمان اقدام کرده است. این بخش مهمی از درمان این کودکان است. کودکان با اختلال یادگیری معمولا زمانی که والدینی همکار و با صبر و حوصله و پشتکار دارند، می‌توان مشکلاتان را برطرف کرد. خوشبختانه این اختلال پاسخ به درمان خوبی دارد (البته این پاسخ به درمان بسته به شرایط کودک و میزان شدت علائم می‌تواند از بسیار عالی تا ضعیف گسترده باشد).

اختلال ویژه یادگیری در کودکان

اختلال یادگیری اختلالی روانشناختی با ناتوانی در یادگیری مهارت‌های مختلف تحصیلی است. این اختلال به صورت اصلی خود را در نوشتن، خواندن و ریاضیات نشان می‌دهد و باعث مشکلات زیادی در پیشرفت تحصیلی کودک می‌شود. کودکان در خواندن دارای دقت، سرعت، روانی و سیالی پایین و درک مطلبضعیفی هستند. در نوشتن بی دقتی می‌کنند و کلمات و واژه‌ها را بدون نقطه، نقطه اضافه، جابجا و یا بدون سرکش و سرکش جابجا می‌نویسند. حروف هم صدا در کلمه را تشخیص نمی‌دهند و به همین دلیل کلمات با حروف متفاوت اما هم صدا را اشتباه می‌نویسند. در ریاضیات هم به همین صورت است. آنها عملیات‌های ریاضی را نمی‌توانند یاد بگیرند و از حل مسائل مرتبط با آن ناتوان هستند.

در همین رابطه، یکی از مراجعان مرکز آتیه را ذکر خواهیم کرد که برای مشکل اختلال یادگیری و نقص توجه-بیش‌فعالی کودک پسرشان مراجعه کرده بودند. اهمیت این گزارش موردی از این مراجع در نتایج درمانی مناسبی است که با همکاری متخصصان مرکز و همچنین مادر کودک به دست آمده است. این گزارش نشان می‌دهد که در صورتی که والدینی همراه با درمانگران و متخصصان در حوزه اختلال یادگیری و نقص توجه و بیش‌فعالی، با هم همکاری داشته باشند، می‌توان مشکلات این کودکان را بهبود داد و زندگی عادی را به آنها برگرداند.

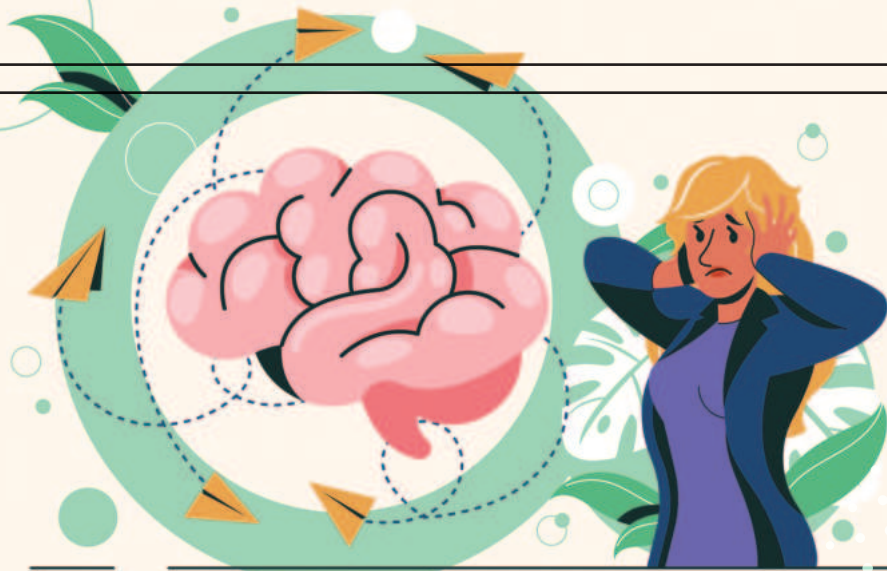
«مراجع پسر ۸ ساله با مشکل در توجه و تمرکز است. او نمی‌تواند کارهایش را با تمرکز و توجه کافی انجام دهد و به همین دلیل عملکرد مناسبی در درس‌هایش ندارد. سر کلاس حواسش مدام پرت می‌شود و معلم به او تذکر می‌دهد. فراموش کاری و گم کردن وسایل دارد و همچنین ورجه و وورجه و شلوغ کاری از ویژگی‌های رفتاری او است. در حین تکالیف مدام پا می‌شود و می‌نشیند و برای انجام آنها زمان بسیار زیادی را صرف می‌کند. در کنار این مشکلات مادر او ذکر می‌کند که در یادگیری درس‌ها و توانایی‌های تحصیلی هم مشکل دارد. او بیان می‌کند که کودک ایشان در یادگیری صداها و کلمات مختلف از همان کلاس اول مشکل داشته است. با مشورت معلم سعی کرده اند تا پایان دوره اول ابتدایی صبر کنند تا ببینند آیا علائم بالینی و قابل بررسی است یا می‌تواند خود به خود برطرف شود. با این حال پس از شروع کلاس اول نیز مشاهده کرده اند که مشکلات کودک همچنان ادامه دارد. او سرکش نمی‌گذارد. جملاتش در جمله نویسی بسیار ضعیف است و معمولا از جملات ساده استفاده می‌کند. در ریاضیات ضعف دارد و نمی‌تواند اعداد را به صورت حروف درست بنویسد. خواندن بسیار ضعیفی



دارد. بریده بریده و گُند می‌خواند و درک جمله برایش سخت است. مادر بیان می‌کرد که این مشکلات باعث شده است تا پسرش در مدرسه احساس خجالت کند و به همین دلیل نیز اعتماد به نفسش بسیار کم شده است. در روابط برای دوستی با همکلاسی‌هایش اقدامی نمی‌کند و معمولا یک گوشه تنها می‌ماند. در دیکته چندین بار نمره کافی را دریافت نکرده است و به همین دلیل معلم مادر را فرا خوانده است. پس از جلسه با معلم احتمال وجود اختلال یادگیری مطرح می‌شود. مادر پس از این جلسه با مرکز آتیه تماس می‌گیرد که برای کمیسیون ارزیابی اقدام می‌کنند. در کمیسیون پس از انجام مصاحبه و ارزیابی‌های لازم تشخیص اختلال یادگیری و همچنین نقص توجه و بیش‌فعالی برای کودک گذاشته می‌شود و برای درمان به بخش کودک و نوجوان ارجاع داده می‌شود».

مراجع پس از ارزیابی مجدد توسط مدیر بخش و دریافت شرایط درمان، وارد جلسات درمانی شد. کودک ۲۰ جلسه نوروفیدبک درمانی و ۱۰ جلسه تثبیت را دریافت کردند. همزمان با این درمان، درمان مختص اختلال یادگیری نیز توسط روانشناس کودک و متخصص اختلال یادگیری اجرا شد. پس از جلسات درمانی مادر گزارش کرد که از نظر توجه و تمرکز پیشرفت بسیار خوبی را در کودک شاهد بوده‌اند و عملکردش بهبود داشته است. در زمینه تحصیلی نیز بسیار پیشرفت چشمگیری داشته است. خواندن بسیار خوب شده است و در دیکته غلط‌های نوشتاری کاهش چشمگیری داشته است. در ریاضیات نیز به همین صورت. در کنار اینها اما مادر گزارش کردند که کودک در صحبت کردن نیز توانایی‌های بهتری پیدا کرده است. قبلا نمی‌توانست چندان جملات پیچیده‌ای را به کار ببرد و معمولا با جملات ساده نیازهایش را برطرف می‌کرد. اما در حال حاضر هم لکنتش کاهش پیدا کرده است و هم از اعتماد به نفس بهتری در صحبت کردن و ارتباط با بچه‌های دیگر برخوردار شده است. مراجع پس از اتمام دوره درمانی با رضایت مرکز را ترک کردند.

همان‌گونه که ذکر آن رفت، این کودکان دارای توانایی آموزش دیدن و پیشرفت هستند و می‌توان مشکلات آنها را پوشش داد. اما در این میان مراجعه به درمانگران ماهر و متخصص و همکاری والدین بسیار مهم است.



اختلالات ویژه یادگیری در بزرگسالی

اختلالات یادگیری از اختلالات روانشناختی در دوران کودکی هستند که با سه علامت اصلی در مهارت‌های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن و ریاضیات مشخص می‌شود. در ابتدا محققان از مشخص کردن علت اصلی این اختلالات در کودکان ناتوان بودند. آنها همچنین نمی‌توانستند علائم کودکان با اختلال یادگیری را به بهره هوشی نسبت دهند چرا که این کودکان از بهره هوشی طبیعی و نرمال برخوردار هستند و به همین دلیل نیز می‌توان از روش‌های درمانی و آموزشی مخصوص به خودشان برای یادگیری و پیشرفت در مهارت‌های تحصیلی استفاده کرد. این کودکان به دلیل ضعف‌هایی که در خواندن، نوشتن و ریاضیات دارند با مشکلات هیجانی و تحصیلی مختلفی در مدرسه و منزل روبرو می‌شوند که نیاز است تا برای رفع آنها حتماً چاره‌ای اندیشیده شود.



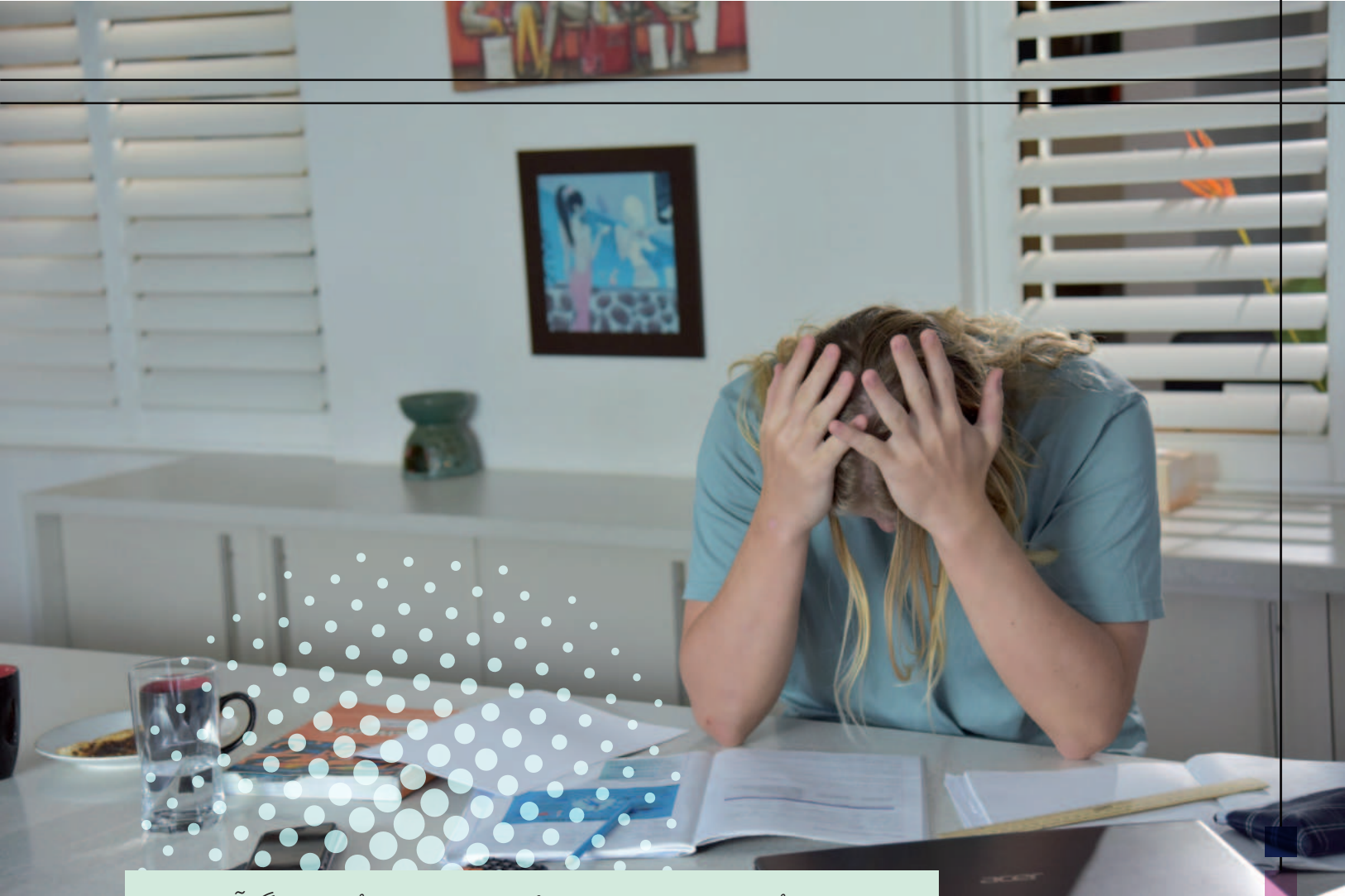
مشکل البته زمانی بیشتر می‌شود که شدت علائم در این کودک به حدی است که شاید معلمان و یا والدین نتوانند آن را تشخیص دهند. در این حالت کودک از مهارت‌های پایه در خواندن و نوشتن و ریاضیات ممکن است که برخوردار باشد اما برای گرفتن نمرات مناسب نیاز به تلاش بیشتر از سایر کودکان دارد و یا اینکه اساساً والدین اهمیتی به تحصیل او نمی‌دهند و در نتیجه احتمال اینکه به مقاطع بالاتر نیز بروند، وجود دارد. همچنین اینکه این کودکان برای داشتن عملکرد عالی به دلیل مشکلات در یادگیری‌شان با مشکل روبرو هستند و در نتیجه معمولاً در سطح معمولی به پایین می‌مانند.





بسیاری فکر می‌کنند که کودکان و نوجوانان با اختلال یادگیری همزمان با بزرگ شدن و رشد مهارت‌های ذهنی شان در بزرگسالی علائم اختلال یادگیری در آنها نیز کاهش می‌یابد و به حالت عادی می‌رسند. تحقیقات نشان داده اند که با بزرگ شدن و حرکت رشد و تحول کودک به بزرگسالی برخی علائم کم می‌شوند ولی ضعف‌های اصلی و پایه‌ای همچنان می‌مانند. به همین دلیل است که متخصصان و روانشناسان اختلال یادگیری بیان می‌کنند که این اختلال همانند سایر اختلالات روانشناختی به دوران بزرگسالی می‌تواند منتقل شود و به همین دلیل است که باید به آن توجه داشت.

علائم اختلال یادگیری در بزرگسالی به دو حوزه تقسیم می‌شود. ابتدا علائم اصلی هستند که در خواندن، نوشتن و ریاضی خود را نشان می‌دهند. این علائم همانند دوران کودکی با مشکل روبرو هستند. آنها تقریباً شاید بتوانند متون را بخوانند اما به دلیل ضعف در درک مطلب و معنای متون خوانده شده از توانایی یادگیری مطالب گفته شده ناتوان هستند و به همین دلیل هم معمولاً نمی‌توانند دروس را در سطح عالی و مفهومی یاد بگیرند. در برخی موارد برای دانشجویان با تحصیل در رشته‌های مختلفی مانند فلسفه و منطق ادامه تحصیل و به پایان رساندن آن بسیار مشکل است. در نوشتن نیز به همین صورت است. آنها در نامه‌نگاری‌ها و نوشتن امتحانات تشریحی بسیار ضعیف عمل می‌کنند. غلط‌های املائی در نوشتن آنها همچنان می‌تواند ادامه داشته باشد و کلمات را به درستی نتوانند تشخیص دهند. دست خط نامناسب و کج و معوج نوشتن کاملاً در آنها مشهود است و لازم است تا گاهی خودشان نوشته‌های خود را بخوانند. همچنین در نوشتن مطالب و داستان‌های مختلف نیز باز از انسجام ذهنی و خلق فضای داستانی در اثر خود ناتوان و ضعیف عمل می‌کنند. در ریاضیات که به صورت خاص ضعف دارند و معمولاً از آن فراری هستند. یادگیری مفاهیم ریاضی پیچیده برای آنها بسیار سخت است و در صورت یادگیری هم نیاز به تمرین و آموزش فشرده دارند.



این موارد بعد اول در رابطه با علائم اصلی بود. در بُعدی دیگر آنها از نظر اجتماعی و هیجانی با مشکل روبرو هستند. پیدا کردن یک شغل مناسب از دشواری‌های عمده آنها است. ناتوانی در خواندن و نوشتن خود را در اینجا نشان می‌دهد و باعث اخراج‌های مکرر در سر کار می‌شود. همچنین آنها از نظر اقتصادی و به دلیل نقص در حساب و کتاب با مشکلات مختلفی ممکن است که روبرو شوند. در رابطه با هیجانات نیز عزت نفس پایین و اعتماد به نفس ضعیف در آنها باعث می‌شود تا نتوانند ارتباط خوب و هیجان مثبتی را تجربه کنند. آنها با اضطراب و افسردگی ناشی از شرایط و دشواری‌های روزمره واکنش نشان می‌دهند و به همین دلیل هم معمولاً تحت تاثیر آنها هستند. وقایع ناگوار گذشته و خاطرات مرتبط با درس و مدرسه و دانشگاه نیز خود می‌تواند با هیجانات منفی همراه باشد. به همین دلیل است که توصیه می‌شود تا والدین کودکان و یا اطرافیان بزرگسالان با اختلال یادگیری برای درمان آنها اقدام کنند.



کلینیک تشخیص

@clinetashkhis



CANTAB



گروه آتیه درخشان ذهن

آزمون شناختی CANTAB

آزمون شناختی دانشگاه کمبریج انگلستان

هر اختلال روانپزشکی دو علامت عمده دارد که بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد تأثیر دارند و در درمان و تشخیص باید به آن‌ها توجه کرد:

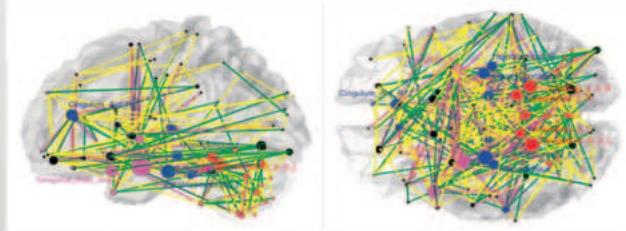
آرامش خانواده
توانمندی جوان
یادگیری نوجوان
هوشمندی کودک

علائم بالینی



نشانه‌هایی مثل
غمگینی
و گریه کردن

توسط مشاهدات
و ارزیابی بالینی
روانشناس و روانپزشک



شبکه مرتبط با علائم شناختی | شبکه مرتبط با اضطراب و افسردگی | قشر دیداری | هیپوکامپ | مناطق دیگر

این تصویر شبکه‌های مغزی مرتبط با افسردگی در علائم شناختی و بالینی را نشان می‌دهد.

علائم شناختی

نشانه‌هایی مثل
مشکل توجه
و تصمیم‌گیری



توسط تست
CANTAB
سنجیده می‌شود.

عملکرد شناختی: مجموعه‌ای از توانمندی‌های ذهنی است که ما در امور روزمره از آنها استفاده می‌کنیم.

عملکردهای اجرایی



توجه و تمرکز



تصمیم‌گیری



حافظه



آیا می‌دانید؟ کودکان مبتلا به **اختلال بیش‌فعالی و نقص توجه**، مشکلات شناختی نظیر نقص در عملکردهای اجرایی دارند.

آیا می‌دانید؟ در **افسردگی** حتی پس از درمان علائم بالینی، همچنان اختلال در حوزه‌های توجه و تمرکز، حافظه و عملکردهای اجرایی باقی می‌ماند.

آیا می‌دانید؟ در کودکان مبتلا به **اختلال یادگیری** مشکلات شناختی باعث اختلال در عملکرد تحصیلی می‌شود و یکی از مشکلات شناختی شایع نقص در عملکردهای اجرایی این کودکان می‌باشد.

آیا می‌دانید؟ افراد مبتلا به **اختلال وسواسی جبری** در عملکردهای شناختی نظیر حافظه دیداری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مشکل دارند.

مزایای cantab

شناسایی مناطق و یا شبکه‌های مغزی مرتبط با بیماری‌های روانپزشکی

مقایسه با گستره سنی فرد

(هر فرد با گستره سنی خود مقایسه می‌شود و بالاتر یا پایین‌تر بودن آن مشخص می‌شود.)

همبستگی خرده آزمون‌ها با عملکرد مغز

(سلامت مغز را با این آزمون می‌توان سنجید.)

جامعیت آزمون

(تمام عملکردها و توانمندی‌های مغزی با این آزمون سنجیده می‌شود.)



www.atiehclinic.com

atiehclinic



- کلینیک آرامش
- کلینیک توانمندی
- کلینیک یادگیری و هوشمندی
- کلینیک روانسنجی و نقشه مغزی
- کلینیک آنلاین
- کلینیک توانبخشی سالمندی

کلینیک‌های گروه
آتیه درخشان ذهن:



■ شماره تخصصی یادگیری و هوشمندی

بهشت روان و بهشت

سال شانزدهم ■ شماره ۱۰۰ ■ ۱۰۰۰۰ تومان